

اهل بيت عليهم السلام از منظر محمد بن عبدالوهاب

ترجمه كتاب:

(الإمام محمد بن عبدالوهاب وأئمة الدعوة النجدية وموقفهم من آل البيت عليهم السلام)

به قلم:

خالد الزهراني

ترجمه:

اسحاق دبيري رحمته

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۶
مقدمه.....	۸
انگیزه نوشتن این رساله.....	۹
محمد بن عبدالوهاب کیست؟.....	۱۲
اندکی تأمل و تحقیق.....	۱۴
فرزندانش را با نامهای اهل بیت <small>علیهم السلام</small> نامگذاری می کند.....	۱۷
وصایایی مربوط به کتاب خدا و اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۷
پایمال کردن حقوق اهل بیت افراط است.....	۲۰
اهل بیت شایسته‌ی هر فضیلتی هستند و این بر خوبی اصل آنهاست و اینکه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> از آنان است.....	۲۰
وجوب صلوات بر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و اهل بیت در هر نمازی.....	۲۱
برای خاندان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> بر امت حقوقی است که هیچ کس با آنان شریک نخواهد شد و آنان این شایستگی و نهایت محبت و دلسوزی را دارند که برای دیگران چنین نیست.....	۲۲
دادن لقب مرتضی به علی <small>علیه السلام</small> و اعتقاد به اینکه ایشان بافضیلت‌ترین یاران پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> می باشند.....	۲۳
شهادت حسین <small>علیه السلام</small> در روز عاشوراء کرامتی از جانب خدا بود.....	۲۴
این روایت حاوی فضیلت بزرگی برای علی <small>علیه السلام</small> می باشد.....	۲۶
حدیث دیگری راجع به فضیلت علی <small>علیه السلام</small>	۲۷
فضیلتی بزرگ برای فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> (پاره تن رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>).....	۲۸
فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> سرور زنان جهان.....	۲۸

- نکوهش کسانی که نسب اهل بیت را از جهت حسن علیهم السلام انکار می‌کنند و آنها را دشمنان اهل بیت توصیف می‌نماید ۲۹
- توصیف حسن بن علی علیهم السلام به اینکه او سید است و خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار می‌کند ۳۰
- تنزیه اهل بیت علیهم السلام از قبایح و زشتیها ۳۰
- حق از علی بن ابی طالب علیهم السلام و یارانش نزدیکتر بود تا به معاویه و یارانش علیهم السلام ۳۱
- علاقه شدید صحابه به دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳۲
- نواصب بد ذات، جاهل و ظالم هستند ۳۲
- موضع دعوتگران سلفی در برابر اهل بیت علیهم السلام ۳۳
- کسی که به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش اهل بیت دست آویزد در دنیا و آخرت گمراه و بدبخت خواهد شد ۳۳
- بدون شک قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهان محبت و مودت اهل بیت هستند .. ۳۵
- محبت علی علیهم السلام نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق است ۴۳
- اهل مدینه و اهل بیت علیهم السلام گردانندگان سنت می‌باشند ۴۴
- راجع به فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به درجه صحت رسیده ۴۴
- علی علیهم السلام خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد ۴۵
- محبت اهل بیت از چند طریق واجب است ۴۶
- محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد ۴۷
- استفاده از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به اهل بیت ۴۷
- فضیلت علی علیهم السلام و مناقب فراوان او ۴۹
- فاطمه علیها السلام از زنان کامل و سید زنان بهشت است ۵۰
- علی بن ابی طالب علیهم السلام بزرگترین هدایت دهنده است ۵۱
- شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست دارند و محبت آنها را وسیله‌ی تقرب به خدا قرار می‌دهند ۵۲

.....	محبت اهل بیت پیامبر ﷺ یکی از اصول اهل سنت و جماعت است	۵۴
.....	کتابی راجع به فضیلت و دانش اهل بیت ائمه	۵۹
.....	علی، فاطمه، حسن و حسین ائمه فاضل‌ترین اهل بیت می‌باشند	۶۰
.....	علی بن ابی‌طالب عاقل‌ترین، ماهرترین، داناترین و حافظ‌ترین اصحاب است	۶۱
.....	کسانی که علی را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند	۶۴
.....	خاتمه	۷۰

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خير خلق الله أجمعين، نبينا وحبينا وقره أعيننا محمد بن عبدالله القائل: «أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي» وعلى آله وصحبه أجمعين.

خداوند، محبت و موالات و تقدیر از اهل بیت پیامبر ﷺ را بر مسلمانان فرض و واجب گردانیده است؛ اما متأسفانه مردم راجع به این قضیه به دو دسته تقسیم شده‌اند: افراط‌گرایانی که مقام و منزلتی والاتر از مقام و منزل واقعی را به اهل بیت داده‌اند و آنها را از صفات بشری بیرون آورده و صفات پروردگار ازلی و ابدی را به آنها داده‌اند؛ اینها مدعی هستند که نسبت به اهل بیت محبت می‌ورزند، اما چه بسا این محبت آنها را به درجه نفرت از سایر اصحاب ﷺ رسانیده است.

و دسته‌ی دوم تفریط‌گرایانی هستند که نسبت به اهل بیت نفرت می‌ورزند، اینها از مقام اهل بیت کاسته و در حق آنها گستاخی می‌نمایند.

خداوند در این میان اهل سنت و جماعت را به دیدگاهی میانه هدایت داد: آنان نسبت به اهل بیت محبت و دوستی را اعلام کردند و وصیت پیامبر ﷺ راجع به آنها را پیروی نمودند و در حق آنها از افراط و تفریط دوری گزیدند و آن را به عنوان اصلی از اصول دینشان قرار دادند و آن را در عقیده و بینش خود جایی دادند. و از جمله‌ی این افراد شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله است که در عقیده - مشهور به وسطیت - خود بیان داشته: از جمله اصول اهل سنت و جماعت این است که اهل بیت پیامبر ﷺ را دوست دارند و آنها را همانند ولی و سرپرست خود تلقی می‌نمایند و وصیت پیامبر ﷺ راجع به آنها را پیروی می‌نمایند.

لازم به ذکر است که افراط‌گرایان تمامی مخالفین خود را متهم کرده‌اند که: نسبت به اهل بیت دچار کینه و دشمنی شده‌اند و پیامبر ﷺ را دوست ندارند. و از جمله کسانی که در حد وسیعی با این گونه تهمت‌های باطل مواجه شده شیخ محمد بن

عبدالوهاب و پیروانش می‌باشند. از این رو خداوند جهت ابطال این افترا شخصیتی همانند خالد الزهرانی را برگزید تا از ضمن کتابهایشان اقوال راجع به اهل بیت را گردآوری نماید و آنها را از این تهمت ناروا تبرئه نماید، ایشان تمامی اقوال آنها راجع به محبت و موالات اهل بیت را گردآوری نموده و بیان داشته که محبت اهل بیت از منظر آنها به عنوان اصلی از اصول عقیده محسوب می‌باشد، ایشان جای هیچ‌گونه سخنی را برای افتراگرایان جا نگذاشته و هر آنچه نقل نموده با اشاره به جلد و شماره صفحه‌ی کتاب سخن خود را تقویت نموده است.

از خداوند خواهانم که در برابر این عمل نیک و وارسته او را از خیر و پاداش بهره‌مند گرداند. و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه وسلم.

به قلم:

علوی بن عبدالقادر السقاف

مقدمه

سپاس خدایی را که پیامبرش محمد ﷺ را همراه با آئین راستین فرستاده تا آن را بر همه‌ی آئینهای دیگر چیره گرداند، هر چند مشرکان دوست نداشته باشند، و به وسیله‌ی قرآن، او و یاران بزرگوارش و خاندان پاک ایشان را - که خداوند پلیدی را از آنها زدود و آنها را پاکیزه گرداند - یاری داد و تثبیت نمود.

آن گونه سزاوار شأن و عظمت اوست به ستایش وی می‌پردازم. و از او می‌خواهم که رحمت و برکت خویش را تا روز قیامت بر پیامبر و خاندان هدایتگرش و یاران خجسته و همسرانش (امهات المؤمنین) و بر کسانی که از سنت و هدایت آنها تبعیت کردند و آثارشان را برگزیدند، نازل فرماید.

شهادت می‌دهم که جز «الله» هیچ معبودی بحق، فرمانروا و فریادرسی وجود ندارد. تا که به وسیله آن، در روزی پیروزی را به چنگ آورم که اموال و اولاد سودی نمی‌رساند، و تنها کسی که با دل سالم به پیشگاه خدا آمده باشد نجات پیدا می‌کند، و شهادت می‌دهم که محمد فرستاده، دوست و برگزیده اوست، تا که به وسیله آن، در روز قیامت مورد شفاعتش واقع شوم. اما بعد،،

انگیزه نوشتن این رساله

پیگیری آنچه در مورد بزرگان سرشناسی نوشته شده که شهرتشان به آفاق رسیده است، - اما برخی از حال ایشان آگاه بوده و دیگران ناآگاه مانده‌اند - به ما می‌آموزد که از جمله بارزترین این اشخاص شیخ محمد بن عبدالوهاب رحمته الله علیه است؛ آن بزرگوار که نویسندگان بسیاری در مورد زندگی‌نامه‌ی وی قلم فرسایی کرده‌اند؛ در این میان کسانی بوده‌اند که به نحو شایسته‌ای دعوت و منهج او و پیروانش را بیان کرده، و کسانی نیز از روی عمد به او دروغ بسته‌اند و بی ادبی کرده‌اند و اتهاماتی را به او نسبت داده‌اند؛ لازم به ذکر است که کمترین ویژگی افتراگرایان این است که نسبت به حال او بی اطلاع بوده و در مسائل و بحث‌های بسیاری تنها نقل قول کرده‌اند.... از جمله موضع ایشان در برابر اهل بیت علیهم السلام.

اینجا بود که در نوشتن رساله‌ای مورد اعتماد، پیش خداوند استخاره کردم تا از لابه‌لای کتابها و رساله‌های مخصوص ایشان موضع این شیخ اصلاحگر و نوه‌ها و اتباع ایشان در برابر اهل بیت علیهم السلام مشخص سازد تا ببیند که شیخ عنایت بیش از حدی نسبت به این زمینه داشته است، چون حقیقتاً نوشته‌ها و تألیفات ایشان (محمد بن عبدالوهاب) شاهد مطمئنی بر اعتقاد او درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

لازم به ذکر است که پاره‌ای از سخنان شیخ و پسرانش و نوه‌هایش و پیروانش را آورده‌ام تا این عقیده - که به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فهم سلف صالح استناد نموده - میان پیروان این دعوت شایع گردد.

برای نوشتن این رساله خلاصه‌نویسی و عدم اطّاب را برگزیدم، زیرا مسأله بسیار واضح و آشکار است و شیخ از امامان اهل سنت و جماعتی است که خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست دارند و نسبت به حقوق و منزلتشان واقف هستند.

خواننده گرامی را آگاه می‌سازم که من به خاطر اختصار و عدم بساط از نقل بسیاری از سخنان ایشان در خصوص اهل بیت صرف نظر کرده‌ام و در اینجا به ذکر سه

نمونه از کتابهای شیخ محمد بن عبدالوهاب اکتفا می‌نمایم:

نخست: ذکر اهل بیت علیهم السلام در هنگام صلوات و درود فرستادن بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مثال به نمونه‌های زیر مراجعه فرمائید: (کشف الشبهات: ۱/۱۸۱)، (کتاب التوحید: ۱/۱۵۱)، و (فضل الإسلام: ۱/۲۶۷) و (مفید المستفید: ۱/۳۲۵) و بسیاری از سخنرانی‌های ایشان، از جمله: (ص: ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۹، ۳۷...) و غیر از اینها.

دوم: هر وقت که از اهل بیت یا یکی از آنها سخن می‌راند برای آنها طلب رضایت و ترحم می‌نماید.

به عنوان مثال تنها به صفحات ارائه شده‌ی کتاب زیر نگاه کن (التوحید: ص: ۲۰، ۲۲، ۳۵، ۵۶، ۶۴، ۷۴، ۸۲، ۸۸، ۹۳، ۹۵، ۱۱۲، ۱۴۹...).

اینها تنها در کتابچه‌ای کوچک از کتابهای ایشان است، چه برسد به سایر کتابهای ایشان؟!؟

سوم: جاهای بسیاری در کتابهای ایشان هست که در آن اختیارات فقهای اهل بیت و مجتهدین بزرگشان را در شاخه‌های شرعی و فقهی ذکر کرده است.

به عنوان مثال: در کتاب (مختصر الإنصاف)، کتاب الزکاة (۱/۲۲۷) و کتاب الصیام (۱/۲۵۵) و باب إحرام (۱/۲۷۹) و باب قربانی و ذبح (۱/۳۵۲).

همچنین کتاب مناسک قسمت حدیث (مسأله ۱۱۳)، (۴۷/۳)، و باب حد مسکر و تغزیر قسمت حدیث (مسأله ۱۷۵۶)، (۲۴۲/۴).

و کسی که بخواهد به آنها دست یابد، باید به صورت کلی کتابهایش را مطالعه کند، آنگاه در خواهد یافت که نمی‌تواند آن را شمارش کند، خدا خیرشان بدهد.

در نقل قول از این بزرگوار به مجموع نوشته‌های ایشان از انتشارات دانشگاه امام محمد بن سعود اسلامی در ریاض اعتماد کردم.

اما سایر اقوالی که از غیر ایشان بوده با ذکر منبع و ذکر صفحات آورده‌ام. در اینجا لازم است که از استاد مهربانم «سید علوی بن عبدالقادر سقاف» که وقت گرانبهای خود را برای بازنگری این کتاب صرف کرده تشکر کنم. از خداوند منان برای ایشان در خواست اجر و ثواب را دارم.

خالد بن أحمد زهرانی

محمد بن عبدالوهاب کیست؟

محمد بن عبدالوهاب اصطلاحگری است که در دل شبه جزیره عربستان چشم به جهان گشود. آنگاه که مردم آن دیار در تاریکی تمام و دوری از کتاب خداوند و سنت رسولش ﷺ زندگی می کردند، گروهی درختان را می خواندند و گروهی دیگر از سنگها چیزهایی را درخواست می کردند که فقط از خداوند غفار درخواست می شود. ظلم و قتل و غارت در بین قبایل شایع شده بود. قوی، ضعیف را چپاول می کرد. و بزرگان بر ناتوانان چیره بودند. و ثروتمند به فقیر ظلم می کرد. آری به راستی که دین با غربت روبرو شده بود.

با این وضع جاری در شبه جزیره و اطراف آن در سال (۱۱۱۵هـ.ق) به دنیا آمد و به این ترتیب در خانه‌ی علم و دین نشأت گرفت. او به دنبال علم رفت و از نجد به مکه سپس، مدینه نبوی آنگاه به بصره سفر کرد، و مدتی را در آنجا اقامت گزید تا در خدمت علمای آنجا بر علمش بیفزاید به گونه‌ای که شخصیت علمیش تکوین پیدا کرد، و تجربه‌هایی را کسب نمود، و ملاقات مردم سرزمینهای مختلف در برداشتن حق و دفاع از آن به او قوت بخشید.

در بصره ابتدا از افعال شرک آمیز توده‌ی مردم و سکوت علما انتقاد کرد، یکی از استادانش به نام شیخ مجموعی او را به خاطر این کار تحسین نمود. گفته شده که شیخ کتاب «توحید» را برای مردم عامی و بی سواد بصره نوشت. و بنا به قولی آن را در شهر حریملاء بعد از آمدنش از بصره تألیف کرده است.

اما به دلیل شدت غربت دین در آنجا و شدت دوری مردم از منابع اصلی دین بسیاری از مردم عام و خاص در برابر او جبهه گیری کردند، و به شدت او را مورد اذیت و آزار قرار دادند و در گرمای نیمروز تابستان، تنها و پیاده او را از بصره بیرون کردند، پس به طرف «زبیر» حرکت نمود، و برای تمام کردن علمش راهی شام شد، اما بضاعت مالی او را از رفتن به آنجا منصرف کرد. به همین خاطر آهنگ رفتن به اَحساء

را کرد و پیش علمای آنجا سکنی گزید و در ضیافت شیخ عبدالله بن محمد بن عبداللطیف أحسانی شافعی با بزرگمردان فرهیخته آنجا آشنا شد.

بعد از این سفر سخت و دوری از وطن و پدرش به نجد بازگشت و از نو به خواندن کتابهای تفسیر، عقیده و حدیث شروع کرد، جمع آوری این اطلاعات ذهنی باز، فکری روشن و فهمی صحیح را به شیخ بخشید، و او را به عنوان حق گرا و دور از تقلید و جمود فکری درآورد، طوری که تنها مراجع صحیح و منابع اولی دین را دنبال می کرد. سپس به امر دعوت به سوی خدا و تصحیح نشانه‌های دین خالص و توحید پاک قدم برداشت؛ هدف وی از این کار برگرداندن مردم به عقیده خالی از شرک و توحید خداوند آسمانها و زمین بود.

او با مخالفت شدید و آزار و اذیت زیاد دشمنانش مواجه شد، اما تمام اینها او را از عزم راسخ و تصمیمات قاطعش منصرف نکرد و او را از هدفش باز نداشت، او نیز همانند سایر دعوتگران اصلاحگری که بر خط مشی سیدالأنبیاء و المرسلین محمد بن عبدالله ﷺ گام نهاده‌اند پابرجایی و پایداری را پیشه نمود.

و بعد از یک زندگی پر از علم و دعوت در سال (۱۲۰۶هـ) به رحمت ایزدی پیوست. خداوند رحمت واسع خود را شامل حالش گرداند و او و تمام مؤمنان را ببخشاید.

اندکی تأمل و تحقیق

این بود زندگی نامه‌ی این شیخ بزرگوار از زبان همنشینان و کسانی که آگاه‌ترین مردم به حال ایشان بودند؛ اما همچنانکه بیان کردیم هر مصلح و اصلاحگری، دشمنان و بد خواهانی دارد، از پیامبران گرفته تا سایر دعوتگران که چون چیزی بر خلاف واقعیت قوم و هم عصرانش آورده‌اند با انواع اذیت و آزار روبرو شده‌اند، و دشمنان و بدخواهانش او را از یک کمان نشانه کردند و آماج تیرهای خود قرار دادند، اما در برابر وی نیزه و تیر شکست خوردند و او پایدار ماند؛ شاعر چه نیکو سروده است:

کناطح صخره یوما لیوهنها فلم یضرها وأوهی قرنه الوعل

(همچو شاخ‌زن به صخره که روزی می‌خواست آن را ضعیف کند، اما بی‌فایده بود و شاخ خودش ضعیف و نابود می‌شد).

خداوند، بر مقامش افزود و دشمنان و کینه‌توزانش را رسوا و نابود گرداند، تمام جهان «محمد بن عبدالوهاب» را می‌شناسد، ولی چه کسی ابن جرجیس یا ابن داود زبیری یا قبانی یا لکنه‌وری یا نبهانی و ... را می‌شناسد.

علی‌رغم تمامی این افتراات و کینه‌توزیها، شیخ همانند نشانه‌ی هدایت و مجدد قضایای دینی در این عصر باقی ماند، چه راست گفت خداوند والا مرتبه: ﴿كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبُطْلَ ۚ فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۗ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ ۚ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ۗ﴾ (الرعد: ۱۷). «خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند!- اما کفها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند (آب یا فلز خالص) در زمین می‌ماند؛ خداوند اینچنین مثال می‌زند».

بنابر این خواننده گرامی باید بداند که هر یک از دشمنان گمراه که در مورد این شیخ مطلبی نوشته‌اند، صاحبان منافع شخصی و مناصب دنیوی بوده‌اند و در دروغ و بهتان به او و اشاعه تبلیغات منفی و منزجرکننده بر علیه او هم آهنگ بوده‌اند، و کسانی نیز که بعد از آنان آمده‌اند به تقلید از اجدادشان امام را نکوهیده‌اند، بدون اینکه به

نوشته‌ها، کتابها، اقوال و مقاله‌هایش مراجعه کنند و از هر گونه دروغ و افترائی نسبت به این مصلح و اصلاحگر واقف شوند، چون این همان منهج علمی حقیقی است برای کسی که بخواهد اعتقاد و اقوال دیگران را بشناسد.

قبل از شروع به نقل اقوال ایشان در رابطه با اهل بیت علیهم‌السلام امری را که چه بسا برخی آن را دو پهلو و مشکوک پنداشته‌اند، یاد آور می‌شویم و آن این است که چرا شیخ در رابطه با اهل بیت و جایگاه و منزلتشان نوشته‌ای جداگانه نداشته‌اند؟ به امید توفیق اینگونه پاسخ می‌دهیم که:

اولاً: در عصر شیخ - به دلیل عدم آگاهی از کتاب خدا و سنت رسولش و عدم فهم صحیح مردم - قضایایی از قبیل خواندن غیر خدا، پناه بردن به اولیا و صالحین و عبادت قبرها رایج بود، و دشمنی و معاندت با اهل بیت در روزگار او چنان شایع نبوده است، بنابر این در مورد چیزهایی که او را آزار می‌داد از قبیل دوری از حقیقت توحید و عدم شناخت شرک به نوشتن و کتابت پرداخت.

ثانیاً: شیخ رحمته‌الله از اهل سنت و همکار جماعتی بود که از حقوق خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اطلاع کافی داشتند و از اقوال امامانشان فضایل آنها را در کتابهایش نقل می‌کردند. در صحیحین و در سنن و مسانید و همچنین در کتابهای فضایل اصحاب، فضایل اهل بیت وجود دارد، و این کتابها در بیان اعتقاد شیخ در رابطه با آنچه که از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صحیح باشد مورد اعتماد ایشان بود.

ثالثاً: لازم نیست که هر دانشمندی در رابطه با فضایل اهل بیت کتابی را تألیف کند، تا از اهل سنت و جماعت محسوب شود! زیرا اینک افرادی همچون نووی، ابن حجر و بسیاری دیگر هستند که هیچ یک از آنها در مورد اهل بیت تألیف مستقلی را ندارند؛ و هیچ یک از ائمه‌ی چهارگانه (ابوحنیفه، مالک، شافعی و امام احمد - رحمهم الله -) در خصوص اهل بیت چیزی را به نگارش در نیاورده‌اند.

اکنون به نقل متونی از اقوال شیخ راجع به بیان محبت او نسبت به اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله می پردازیم، لازم به یادآوری است که این اقوال را در عناوین قرار داده ام تا فهم متون و ترتیب افکار برای خواننده آسان گردد و با استعانت از خداوند سخن را آغاز می کنم.

فرزندانش را با نامهای اهل بیت علیهم السلام نامگذاری می‌کند

شکی نیست که هر عاقلی فرزندانش را جز به نام کسانی که آنها را دوست دارد نامگذاری نمی‌کند، به عبارتی واضح‌تر شخص عاقل فرزندانش را با نام کسانی که از آنها متنفر است نامگذاری نمی‌کند!^(۱)

اینجاست که شیخ محمد بن عبدالوهاب پسر بزرگش را علی و دخترش را فاطمه و دو تن از پسرانش را حسن و حسین نامیده است.^(۲) چه اسم و مسمای زیبا و نیکویی!! چرا که آنها خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

همچنانکه هر عاقلی تنها کنیه‌ای را برای خود انتخاب می‌کند که دوست داشتنی و محبوب وی واقع شده باشند؛ امام محمد بن عبدالوهاب کنیه‌ی ابوحسین را برای خود انتخاب کرده بود.

این به چه معنی است؟ و بر چه چیزی دلالت دارد؟

این بیانگر نهایت محبت شیخ نسبت به اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

پس آیا کسی می‌تواند گستاخی کند و بگوید که محمد بن عبدالوهاب، با اهل بیت علیهم السلام سر دشمنی و عداوت را دارد؟

وصایایی مربوط به کتاب خدا و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

ایشان در کتاب «فضل الإسلام»^(۳) می‌گویند: خداوند فرموده: ﴿ أَتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ

(۱) - در اینجا اشکالی ندارد که اشاره‌ای مختصر به نامهای فرزندان اهل بیت ببندازیم، علی علیه السلام سه تن از پسرانش را با نام خلفای قبل از خود (ابوبکر، عمر و عثمان) نامگذاری کرد و جای تعجب هم نیست چرا که آنان برادر و داماد یکدیگر و در میان یکدیگر مهربان بودند، همانطور که خدا آنها را توصیف کرده است. ابوبکر و عمر داماد رسول الله صلی الله علیه و آله بودند، و بعد از وفات ابوبکر رضی الله عنه علی رضی الله عنه با زن بیوه‌اش (آسماء بنت عمیس) ازدواج کرد و علی دخترش (ام کلثوم) را به ازدواج عمر در آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله دو دخترش را که خواهران فاطمه زهرا بودند به ازدواج عثمان در آورد. آنگاه حسین رضی الله عنه سید جوانان هشت پسرش را (عمر) نامید و این هیچ عجیب نیست! مگر او (عمر) شوهر خواهرش نیست؟!

(۲) - الدرر السنیه، چاپ اول دارالافتاء (۱۹/۱۲) و نیز کتاب: (علماء نجد، البسام) (۱/۱۵۵).

(۳) - ۲۵۶/۱ باب: وصیت به کتاب خداوند.

رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿۳۲﴾ (الأعراف: ۳). «از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکر می شوید».

از زید بن ارقم روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه‌ای خواند و بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود: «أما بعد ألا أيها الناس فإننا أنا بشر - يوشك أن يأتيني رسول ربِّي فأجيب، وأنا تاركٌ فيكم ثقلين: أولهما: كتاب الله فيه الهدى والنور؛ فخذوا بكتاب الله وتمسكوا به. فحث على كتاب الله ورغب فيه، ثم قال: وأهل بيتي».

و در روایتی دیگر: «كتاب الله هو حبل الله المتين، من اتبعه كان على الهدى، ومن تركه كان على الضلالة»^(۱).

(اما بعد ای مردم! لازم است بدانید که من بشر هستم و نزدیک است که فرستاده خدایم پیشم بیاید و او را اجابت کنم و من در میان شما دو چیز گرانقدر را به جا می گذارم: یکی قرآن که در آن هدایت و نور است، قرآن را بگیرید و به آن تمسک جوئید (و بر قرآن پافشاری کرد و به آن رغبت نشان داد) آنگاه گفت: و اهل بیتم، و در روایتی دیگر (کتاب خداوند که ریسمان محکم خداوند است، هر کس از آن تبعیت کند بر هدایت است و هر کس آن را ترک کند بر گمراهی است). و نیز در کتاب «فضائل القرآن: ۱، ۲۲» باب (کسی که هدایت را از غیر قرآن طلب کند) می گوید:

خداوند عزوجل می فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْتَصِمْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿۳۶﴾

﴿الزخرف: ۳۶﴾.

«و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او می فرستیم پس همواره

(۱) - رواه مسلم.

قرین اوست».

و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (النحل: ۸۹).
«و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

و از زید بن ارقم روایت شده که گفت: «قام فینا رسول الله صلی الله علیه و آله خطیباً بقاء یدعی: خمّاً فحمد الله وأثنی علیه وواعظ و ذکر ثم قال: أما بعد: أيها الناس إنما أنا بشر- مثلکم یوشک أن یأتی رسول من ربی فأجیب وأنا تارک فیکم الثقلین أولهما: کتاب الله فیہ الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به. فحث علی کتاب الله ورغب فیہ ثم قال: وأهل بیتی أذکر کم الله فی أهل بیتی».

(رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکانی به اسم «خم» به عنوان خطیب بلند شدند و خدا را حمد و ثنا گفتند و پند و اندرز دادند سپس فرمودند: ای مردم! من بشری همچون شما هستم و نزدیک است که رسولی از جانب پروردگارم پیش من بیاید و من او را اجابت کنم (بمیرم) و من در میان شما دو چیز گرانقدر به جای می گذارم: یکی قرآن که در آن هدایت و نور است، قرآن را بگیرید و به آن تمسک جوید (و بر قرآن پافشاری کرد و به آن تشویق نمود) آنگاه گفت: و اهل بیتم، خدا را یادآور می شوم که مراقب اهل بیتم باشید).

اینچنین است که شیخ رحمته الله بنا به وصیت رسول خدا به قرآن کریم تمسک می جوید و آن را در کنار وصیتش به اهل بیت ذکر می نماید: و این بیانگر آن است که شیخ رحمته الله تمسک به هدایت و روایات صحیح از اهل بیت هیچ گونه مخالفت و تضادی با قرآن کریم ندارد، بلکه آنها تنها کسانی هستند که بطور کامل قرآن کریم را در زندگانی خود به نمایش در آورده اند.

پایمال کردن حقوق اهل بیت افراط است

شیخ رحمته الله بعضی از پیروانش را سرزنش کرد، آنگاه که اطلاع یافت آنها بوسیدن دست یکی از بزرگان منسوب به اهل بیت و پوشیدن لباس سبز رنگ وی را نکوهیده بودند، همچنانکه در «الرسائل الشخصية: ۲۸۴/۱» آمده ایشان می فرمایند:

از شما برایم نقل شده که بعضی از برادران در مورد عبدالمحسن شریف صحبت رانده و بدو گفته: مردم احساء دوست دارند دستت را بیوسند در حالی که تو عمامه سبزی پوشیده‌ای. لازم است بدانید که انکار هر چیزی تنها بعد از آگاهی جایز است. و نخستین مرحله‌ی انکار این است که تو از مخالفت آن قضیه با امر خداوند آگاهی داشته باشی، اما انکار چیزی مثل بوسیدن دست، جایز نیست، زیرا این مسأله‌ای است که علما در مورد آن اختلاف نظر دارند، زید بن ثابت دست ابن عباس را می‌بوسید و می‌گفت: به ما امر شده که اینچنین با اهل بیت پیامبرمان رفتار کنیم، به هر حال برای آنها جایز نیست که قضایایی را انکار نمایند که حکم خداوند در مورد آن را نمی‌دانند؛ و اما پوشیدن لباس سبز برای جدا کردن اهل بیت چیزی است که از قدیم وجود داشته تا کسی به آنها ظلم نکند، یا کسانی که آنها را نمی‌شناسند در حقشان کوتاهی نکنند، و خداوند به نفع اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حقوقی را بر مردم واجب کرده است، و برای شخص مسلمان جایز نیست که حق آنان را پایمال نماید، و گمان کند که این توحید است! خیر بلکه این افراط است...).

اهل بیت شایسته‌ی هر فضیلتی هستند و این بر خوبی اصل آنهاست و

اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنان است

ایشان می‌گویند^(۱): بر هر یک از ما و شما واجب است که علم و دانشش را در راه

(۱) «الرسائل الشخصية: ۳۱۲/۱» و «الرساله: ۴۸».

رضایت خدا و یاری رسولش صرف نماید، چون که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءَ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾ (آل عمران: ۸۱).

«و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید».

وقتی که خدای سبحان از انبیاء پیمان گرفته است که اگر به محمد صلی الله علیه و آله رسیدند به او ایمان بیاورند و یاریش کنند، پس ای امت پیامبر! ما باید چگونه باشیم؟ بنابر این لازم است هم به او ایمان بیاوریم و هم او را یاری نماییم، و انجام یکی بدون دیگری کافی نیست، و لازم است بدانیم که شایسته ترین و برترین مردم اهل بیتی است که خداوند، پیامبر ما را از میان آنان مبعوث کرده و آنها را بر مردم دنیا برتری داده است، شایسته ترین اهل بیت به این امر نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند.

ایشان در اینجا بیان می کند که خداوند رسولش را که اساس اهل بیت است مبعوث کرده و اهل بیتش را بر تمام مردم دنیا برتری داده است و در این رساله وقتی آنها را مورد خطاب قرار می دهد، وجود گروهی از اهل بیت نبوت را در عصر خود اثبات می کند، نه آنگونه که دشمنانش گمان می کنند که او وجود آنها را انکار می کند و معتقد است نسب پیامبر صلی الله علیه و آله قطع شده است.

وجوب صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت در هر نمازی

در رساله‌ی موسوم به «شرایط و ارکان و واجبات نماز: ۱/۱» و در عموم رساله‌هایش در حین ذکر صفت صلوات ابراهیمی چنین آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

«پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست همانگونه که بر ابراهیم درود فرستادی به راستی تو قابل ستایش و بزرگواری هستی».

درود از جانب خداوند ثنای او بر بنده‌اش در ملکوت اعلی است، همانگونه که بخاری در صحیحش از ابو العالیه حکایت می‌کند که گفت: درود خداوند ثنای او بر بنده‌اش در ملکوت اعلی است.

و در رساله‌ی موسوم به «آداب رفتن به نماز» و «صفة الصلاة: ۱۰/۱» چنین بیان می‌دارد: «اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد كما صلیت علی آل ابراهیم إنک حمید مجید، وبارک علی آل محمد كما بارکت علی ابراهیم إنک حمید مجید».

«پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست همانگونه که بر آل ابراهیم درود فرستادی به راستی تو ستوده و بزرگواری، و بر محمد و بر آل محمد برکت نازل کن همچنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل کردی به راستی تو ستوده و بزرگواری».

و همچنانکه هر مسلمانی می‌داند این دعا یکی از ارکان نماز است؛ و نماز مسلمان جز با آن صحیح نیست و این دیدگاه شیخ محمد بن عبدالوهاب است. که بر آن دلیل آورده شد.

برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بر امت حقوقی است که هیچ کس با آنان شریک نخواهد شد و آنان این شایستگی و نهایت محبت و دلسوزی را دارند که برای دیگران چنین نیست

شیخ محمد بن عبدالوهاب رحمته الله جملات و عباراتی را از کتابهای شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله جمع آوری نموده و تحت عنوان «مسائل لخصها الامام محمد بن عبدالوهاب من کلام شیخ الاسلام ابن تیمیه» آن را به چاپ رسانده است، ایشان ضمن آن رساله (۵۱/۱) می‌گوید: خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله بر امت حقی دارند که سایر مردم شریک آن حق

نیستند و استحقاق محبت و دلسوزی بیش از حدی هستند که سایر قریش چنین استحقاقی را ندارند و قریش استحقاق چیزی را دارند که قبایل دیگر چنین استحقاقی را ندارند، همچنانکه جنس عرب استحقاق آن چیزی هستند که سایر بنی آدم چنین استحقاقی را ندارند - تا آنجا که می گوید- به همین خاطر در میان بنی هاشم پیامبری وجود دارد که هیچ احدی از قریش به پای وی نمی رسد، و در میان قریش خلفاء و ... وجود دارد که در میان عرب بی نظیر هستند و در میان عرب از سابقین اولین کسانی هستند که در سایر ملتها شبیه و نظیری را ندارند.

این عقیده شیخ موافق عقیده این تیمه است در رابطه با خاندان نبی و خانواده و نزدیکان اوست که مدعی حقوق و واجباتی مخصوص برای آنها است و سایر مردم را در آن حق بی بهره می داند و محبت و لطفی را برایشان واجب دانسته که سایر مردم استحقاق آن را ندارند. و این فضل خداست و به هر کس که بخواهد می دهد.

دادن لقب مرتضی به علی علیه السلام و اعتقاد به اینکه ایشان بافضیلت ترین

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشند

شیخ رحمته الله در ضمن رساله نخست از «الرسائل الشخصية: ۱ / ۱۰» می گوید: ایمان دارم به این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران و انبیاست، و ایمان هیچ بنده ای صحیح نیست تا زمانی که به رسالتش ایمان نیاورد، و به نبوتش شهادت ندهد؛ و اینکه برترین امتش ابوبکر صدیق، سپس عمر فاروق، سپس عثمان ذو النورین، سپس علی مرتضی و سپس بقیه عشره مبشره... است.

شیخ محمد بن عبدالوهاب امام علی را چهارمین خلیفه از خلفای راشدین هدایت گر به حساب می آورد و لقب مرتضی را به او می دهد و اعلام می دارد که ایشان از برترین یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

شهادت حسین علیه السلام در روز عاشوراء کرامتی از جانب خدا بود

شیخ رحمته الله در رساله «الرد علی الرافضة: ۱/ ۴۸» کلام زیبایی را از شیخ الإسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم در رابطه با مصیبت امت راجع به حسین و کشته شدن فجعش نقل می کند و با پافشاری بر صبر و دوری از جزع و فزع می گوید: شیخ الإسلام ابن تیمیه حنبلی حرانی رحمته الله می گوید: خداوند من و شما را توفیق دهد، بدان که شهادت حسین در روز عاشوراء کرامتی بود از جانب خداوند که با آن او را گرامی داشت، و ارتقای درجه و مرتبه ای بود که خداوند بر وی ارزانی بخشید و خواری و ذلتی بود برای کسی که به او ظلم کرد و به او دست درازی کرد، و پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از او سوال شد که چه کسی از همه سخت تر بلا و آزمایش را می بیند؟ فرمود: انبیاء. سپس صالحان و سپس کسانی که از همه بیشتر به آنها شباهت دارند، و هر کس بر حسب دینش آزمایش می شود؛ اگر در دینش صلابت داشته باشد آزمایشش بیشتر می شود، و اگر در دینش سست و ضعیف باشد در مورد او تخفیف داده می شود، بلا و آزمایش همچنان با مومن همراهی می کند تا طوری بر زمین گام بردارد که لغزشی بر او نباشد. بنابر این مؤمن، وقتی که روز عاشوراء می رسد و مصیبت حسین را یادآور می شود مشغول استرجاع: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ گفتن می شود، همانگونه که خدای تعالی به او امر کرده است، تا به پاداشی نایل گردد که در ضمن این آیه وعده داده شده: ﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ (البقره: ۱۵۷).

«اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت یافتگان».

ثمره آزمایش و مصیبت و آنچه که خدا به صابرين وعده داده است وقتی ملاحظه

می شود که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (الزمر: ۱۰).

«که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند».

و شهادت می دهد که آن بلا از جانب بلا دهنده بزرگ است، بنابر این احساس تلخی و سختی بلا از پیش دید گانش زدوده می شود. خداوند می فرماید: ﴿وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (الطور: ۴۸). «در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو زیر نظر ما و در حفاظت و رعایت کامل ما قرار داری».

به بعضی گفته شد: چه وقت زدن و آزار و قطع بر شما هموار می گردد؟ گفت: اگر ما بتوانیم کسی را راضی کنیم که او را دوست داریم بلا را راحتی، جفا را وفا، و محنت را نعمت محسوب می کنیم.

بنابر این شخص عاقل در آن هنگام چنین چیزی را فرا می خواند؛ مصایب و سختیها و بلاهای دنیوی را کوچک می شمارد و خود را به خاطر مصیبتی که به او رسیده دلداری می دهد و صبر اختیار می کند و تا آنجا که می تواند خود را به طاعات و اعمال صالح مشغول می کند، چون پیامبر صلی الله علیه و آله بر روزه روز عاشورا اصرار داشته است. پس فرد عاقل با لحاظ تمام اینها، اوقاتش را در انواع عبادات خاص می کند، شاید که از جمله دوستداران اهل بیت نوشته شود. و همچون جاهلان آن روز را به گریه و نوحه سرایی تبدیل نمی کند چون این کار نه از اخلاق اهل بیت نبوی است و نه از روش و سیره آنها و اگر از سیره آنها می بود امت اسلامی هر سال روز وفات پیامبرشان را در ماتم و عزا می گذراندند، این چیزی جز تزئین و اغوای شیطان نیست؛ شیخ چنین می افزاید^(۱): همانطور که برای دسته‌ای دیگر معارضه و دشمنی با کار آنها را زینت داده است؛ این روز را عید می گیرند و شروع به اظهار شادی و خوشحالی می کنند، به خاطر اینکه از نواصب متعصب بر علیه حسین و خانواده‌اش هستند، یا از جاهلانی هستند که فساد را با فساد و شر را با شر و بدعت را با بدعت مقابله می کنند، به همین خاطر شادی را اظهار می نمایند، و کارهایی از قبیل: حنا زدن، پوشیدن لباس نو، سرمه

(۱) کلام همچنان سخن ابن تیمیه است.

زدن، عیدی دادن، پختن غذاها و حبوبات خارج از عادات را به راه انداختند. و در آن روز کارهایی را می دهند که در جشن ها و اعیاد انجام می دهند و گمان می کنند که این کار سنت و عرف می باشد، در حالی که در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ یک از این کارها پیشنهاد نشده است، و در رابطه با این کارها چیزی که به آن اعتماد شود و اثر صحیحی که قابل مراجعه باشد وجود ندارد؛ تا آنجا که می گوید: به همین خاطر آنها (نواصب) به خاطر جهلشان روز عاشورا را همچون مراسم اعیاد و جشن ها، جشن می گیرند و دسته دیگر (روافض) آن را عزا و ماتم می گیرند و در آن روز آهنگ ناراحتی و غم و اندوه سر می دهند، و هر دو دسته خطا کار و از سنت کنار رفته اند و دچار جرم و گناه شده اند. والسلام).

ابن قیم می گوید: و اما نسبت به احادیث مربوط به سرمه زدن، روغن زدن و عطر زدن در روز عاشورا باید گفت که این احادیث موضوع و جعلی هستند، دسته ای دیگر در مقابله با آنان آن را روز غم و اندوه و ماتم گرفتند و هر دو دسته بدعتگر هستند و از سنت کناره گرفته اند.

در اینجا شیخ سخنان دانشمندان قبل از خود را در بیان دیدگاه صحیح راجع به مصیبت اهل بیت نقل می کند و با اعتماد به قرآن و سنت صحیح رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را تأیید می نماید.

تعلیق را برای کسانی جا می گذارم که در خصوص موقف ائمه ی هدی نسبت به اهل بیت علیهم السلام خواهان حق هستند، لازم به یادآوری است که بعضی از گروهها به آنها افترا و دروغ بستند و دشمنی و عداوت با اهل بیت را به آنها نسبت داده و آنها را نواصب نامیده اند!!

این روایت حاوی فضیلت بزرگی برای علی علیه السلام می باشد

شیخ در کتابش تحت عنوان «التوحید: ۲۱/۱» داستان فتح خیبر در سال هفتم هجری

را می آورد. ایشان می گویند: بخاری و مسلم هر دو از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت کرده اند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز خیبر می گفت: «پرچم اسلام را به کسی می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، خداوند خیبر را به دست او فتح خواهد کرد. مردم آن شب را با بحث و گفتگو که پرچم به کدام یک از آنها داده می شود به سر بردند. وقتی که صبح شد پیش پیامبر رفتند و هر یک امیدوار بودند که پرچم به او داده شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب کجاست؟ گفتند: چشمش درد می کند، دستور داد علی را برایش احضار نمودند، در چشمانش، آب دهان ریخت، بلافاصله بهبود یافت طوریکه گویا هرگز بیمار نبوده است، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به او داد و فرمود: با تانی، نزد آنان برو تا بدانجا برسی. سپس، آنها را به اسلام دعوت کن و از دستورات خدا با خبر ساز. سوگند به خدا، اگر یکی از آنان بوسیله تو هدایت شود، برایت از شتران سرخ رنگ، بهتر است.» (یادآوری می شود که شتران سرخ رنگ، در آن زمان، نزد اعراب، از ارزش بسیار بالایی برخوردار بودند).

آنگاه در فواید این حدیث گفته: مسئله بیست و یکم: فضیلت علی رضی الله عنه و در مسایلی که آنها را خلاصه کرده: ۱/ ۱۵۳ می گوید: قول پیامبر صلی الله علیه و آله: **لَأَعْطِينَ الرَّايَةَ ...** صحیح ترین حدیثی است که در فضیلت او (علی بن ابی طالب رضی الله عنه) روایت شده است.

حدیث دیگری راجع به فضیلت علی رضی الله عنه

شیخ رحمته الله در کتابش تحت عنوان «مختصر زادالمعاد: ۱/ ۲۷۶» آن جا که سخن از حوادث غزوه تبوک است می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله به جنگ تبوک رفت و علی را به جای خود تعیین کرد، علی گفت: برای چه مرا در میان زن و بچه ها جا می گذارید؟ گفت: مگر راضی نیستی که شما

برای من به منزله هارون برای موسی باشی؟ و تنها فرقتش این است که بعد از من پیغمبر دیگری نمی آید.

در اینجا قابل تصور نیست که در مورد محمد بن عبدالوهاب گفته شود که او دشمن علی و خاندانش است حال آنکه در اکثر کتابها و نوشته هایش فضایل او را بیان می کند.

فضیلتی بزرگ برای فاطمه زهرا (علیها السلام) پاره تن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

شیخ رحمته الله در کتاب خود «مختصر زاد المعاد: ۱/ ۲۹۶» می گوید:
رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با آمدن فاطمه (علیها السلام) شادی می شد و برای او بلند می شد، و فاطمه نیز برای احترام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بلند می شد.

فاطمه زهرا (علیها السلام) سرور زنان جهان

شیخ رحمته الله در کتاب «التوحید: ۱/ ۴۷» می گوید: سیزدهم: سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به بستگان و سایر امت: «لا أغني عنك من الله شيئاً».

(در حضور خداوند هیچ یک از نیازهای شما را دفع نخواهم کرد). تا آن جا که گفت: (ای فاطمه دختر محمد! من در حضور خداوند هیچ یک از نیازهایت را دفع نخواهم کرد).

وقتی که سید المرسلین تصریح می کند به اینکه او چیزی را از سرور زنان عالم دفع نمی کند، و انسان ایمان دارد به اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جز حق نمی گوید. آنگاه به آنچه در دلهای مردم معاصر واقع می شود نظر بیفکنند، توحید و غربت دین برایش آشکار می شود.

این عقیده شیخ در مورد پاره تن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فاطمه (علیها السلام) است: اینکه او در نزد پدرش برترین انسان است و سرور زنان جهان می باشد.

نکوهش کسانی که نسب اهل بیت را از جهت حسن علیهم السلام انکار می کنند و آنها را دشمنان اهل بیت توصیف می نماید

ایشان در رساله «الرد علی الرافضة: ۱ / ۲۹» می گوید: و از سخنانشان این است که حسن بن علی دنباله نداشته و نسلش منقرض گشته و از نسل ذکور او هیچ کس باقی نمانده است، این سخن در میان آنان رواج پیدا کرده و بر آن اجماع کرده اند، آنها گفته اند این سخن نیازی به اثبات ندارد. و دسته ای از آنان ادعا می کنند که «الجاج» نیز به همین ترتیب نسلش منقرض شده و به این نتیجه رسیدند که امامت را به اولاد حسین منحصر کنند و از میان آنان نیز به دوازده نفر اکتفا نموده اند؛ و امامت افرادی دعوتگر از آل حسن را باطل می شمارند با وجود اینکه دارای فضل و جلال بوده و شرایط امامت را دارا بوده اند و مردم به آنها بیعت داده اند و از تبار پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و از نظر علمی به درجه اجتهاد مطلق رسیده اند. خدا مرگشان بدهد چگونه افترا می زنند، این دشمنان آل بیت را بین چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه را می آزارند با انکار نسب کسی که به طور قطع ثابت شده که از ذریه حسن علیه السلام است و ثبوت نسب ذریه او متواتر است و بر هیچ خردمندی پوشیده نیست؛ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله انکار انساب را از اعمال جاهلیت خوانده است و روایاتی وجود دارد که دال بر این است که مهدی از نسل حسن علیه السلام است همچنانکه ابوداود و ... آن را روایت کرده اند).

این است عقیده و باور شیخ که هر کس ذریه حسن علیه السلام را انکار کند و امامت را در میان فرزندان او نفی نماید، در واقع امامت داعیان خاندان حسن را باطل دانسته، با وجود فضل و جلال و آراستگی شان به شرایط امامت و بیعت مردم با آنان و صحت نسبشان و نایل شدنشان به درجه اجتهاد... با ذکر این سخن (انکار نسب فرزندان حسن علیه السلام) رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه را آزار می دهند.

توصیف حسن بن علی علیه السلام به اینکه او سید است و خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار می‌کند

شیخ در کتاب «مختصر السیره: ۱/۳۲۱» راجع به حوادث سال ۳۸ می‌گوید: مردم با حسن بیعت کردند و تا هفت ماه به عنوان خلیفه باقی ماند، آنگاه به طرف معاویه حرکت کرد. وقتی که دو گروه با هم برخورد کردند، حسن دانست که جز با کشتن بسیاری از افراد یکی از دو گروه دیگری غالب نخواهد شد. به همین خاطر او با معاویه صلح کرد، و بنا به شرایطی با او بیعت نمود و خلافت را به او واگذار کرد. معاویه آن شرایط و بیشتر از آن را نیز عهده‌دار شد. و مصداق آنچه که از پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت شده است تحقق یافت که ایشان درباره حسن فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَصْلِحَ بِهِ بَيْنَ فِئَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

«این پسر من سید است و امید است که خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار کند».

به این ترتیب ایشان معتقد است که بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به صلح بین مسلمانان بر دستان یکی از سادات آل بیت که حسن است تحقق پیدا کرد، و با معاویه در این سال صلح کرد و خلافت را به او واگذار نمود و با این کار از ریخته شدن خون مسلمانان جلوگیری کرد.

تنزیه اهل بیت علیهم السلام از قبایح و زشتیها

شیخ رحمته الله در رساله «الرد علی الرافضة: ۱/ ۵۱» می‌گوید: و از جمله اعتقاداتشان - نعوذ بالله - دشنام به صحابه بخصوص خلفای سه گانه است، آنها در کتابهای معتبرشان از مردی از اتباع هشام احوال روایت می‌کنند که گفت: روزی نزد ابو عبدالله جعفر بن محمد بودم، مرد خیاطی از شیعیانش پیش او آمد و دو پارچه در دست داشت و گفت:

ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! یکی از دو جامه را دوختم و با هر بخیه سوزنی، خدای یگانه را به وحدانیت خواندم و دیگری را دوختم و با هر بخیه سوزنی، ابوبکر و عمر را لعنت کردم....

آنگاه آنچه را که شما دوست داشته باشی به تو نذر نمودم؛ از این دو هر کدام را دوست داری بردار و آن یکی را که دوست نداری رد کن.

صادق گفت: آن یکی را که با لعن ابوبکر و عمر تمام شده دوست دارم و دیگری را که با ذکر «الله اکبر» دوخته شده به خودت برمی گردانم.

بین آن دروغگویان فاسق چه چیز زشتی را در حق اهل بیت بیان می دارند. به این ترتیب ایشان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را از دروغ دروغگویان و نسبت سخنان زشت به آنان منزّه می کند. چگونه چنین چیزی ممکن است حال آنکه امام جعفر صادق در مورد جدش ابوبکر صدیق رضی الله عنه می گفت: «و لدنی أبوبکر مرتین».

(ابوبکر دوبار مرا به دنیا آورد). می دانی برای چه؟

چون مادرش ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر بود، و زن قاسم دختر عبدالرحمن بن ابوبکر بود، به همین خاطر می گفت: ابوبکر دوبار مرا به دنیا آورد!

حق از علی بن ابی طالب رضی الله عنه و یارانش نزدیکتر بود تا به معاویه و

یارانش رضی الله عنهم

در کتاب «مختصر السیره: ۳۲۱/۱» درباره حوادث سال سی و هشت می گوید: علی بن ابی طالب و یارانش از معاویه و یارانش به حق نزدیکتر بودند، با این حال هیچ یک از آنان از دایره ایمان خارج نشدند.

این عقیده شیخ در رابطه با حادثه جنگی است که بین صحابه در گرفت، اینکه امام علی رضی الله عنه و یارانش در آن جنگ نزدیکتر به حق و صواب بودند، و هر دو دسته از ایمان خارج نشدند.... این به خاطر درک عاقلانه ایشان نسبت به آیات قرآن است، چون

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ (الحجرات: ۹).

«و هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید». خداوند آنها را مؤمن نامیده است علیرغم اثبات در گیریشان و نیز علی علیه السلام در جواب کسی که در مورد کسانی که با او جنگیدند پرسید؟ گفت: «إخواننا بغوا علينا».

(برادرانمان بر ما سرکشی کردند)، علی علیه السلام آنها را برادر خود خواند.

علاقه شدید صحابه به دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله

شیخ در کتاب «مختصر السیره: ۳۰۶/۱» درباره حوادث سال هفدهم می‌گوید: «در آن سال عمر رضی الله عنه با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب رضی الله عنه ازدواج کرد، تا از این طریق به عنوان داماد پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب گردد.

شیخ رحمته الله این ازدواج مبارک را در کتابش ذکر می‌کند با بیان اینکه عمر رضی الله عنه تنها خواستار خویشاوندی با نسب رسول الله صلی الله علیه و آله بود که در فرزندان علی و فاطمه باقی مانده بود، به دلیل بزرگواری و افتخار نسب نبوی کریم.

نواصب بد ذات، جاهل و ظالم هستند

شیخ رحمته الله در ضمن مسئله (۲۷) از کتاب «مسائل لخصها: ۲۵/۱» در سیاق نقل سخنان ابن تیمیه رحمته الله در مورد اینکه شیطان، گمراهی و ضلالت را برای بعضی از مردم زینت داده است، می‌گوید: «همچنانکه مشرکان تُرک را یاری دادند تا آنچه که در بغداد و ... با اهل بیت از فرزندان عباس و ... انجام دادند، پس قومی با آنها دشمنی کردند که یا از نواصب متعصب و دشمن حسین بودند، یا از جاهلانی که فساد را با فساد جواب دادند و روایاتی را در باب توسیع نفقه بر خانواده جعل کردند، اگر چه ایشان بد ذات تر و جاهل تر

و ظالم تر بودند، ولی خداوند به عدل و احسان امر می کند.
می بینیم که شیخ هر کسی از نواصب نادان و ظالمی را که با اهل بیت دشمنی می ورزد و به آنها آزار می رساند، تحقیر می نماید. این موضع روشن و شفاف اوست در برابر کسی که دشمنی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را ابراز می کند.

موضع دعوتگران سلفی در برابر اهل بیت علیهم السلام

اکنون جهت تبیین و توضیح منهج و روش این دعوت مبارک در برابر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاره ای از سخنان فرزندان و پیروان شیخ را ذکر می نمایم.

کسی که به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش اهل بیت دست آویزد در دنیا و آخرت گمراه و بدبخت نخواهد شد

امام عبدالعزیز بن سعود بن محمد رحمته الله علیه می گوید: از عبدالعزیز بن سعود به جناب احمد بن علی قاسمی - خداوند شما را به آنچه که دوست دارد و بدان راضی است هدایت نماید:- نامه شما به دست ما رسید و به مضمون آن اطلاع یافتیم که بیان داشته اید: گروهی از اصحاب و پیروان ما تمسک به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جانب پیروان مذهب اهل بیت شریف را نکوهیده اند. لازم است بدانید که تمسک و چنگ فرا زدن به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش اهل بیت موجب سرفرازی در دنیا و آخرت و عدم گمراهی می باشد. اما لازم است ادعا را با عمل به اثبات رساند.

سپس می افزاید: اصل دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان عبارت است از اینکه: انواع عبادات تنها برای خدا به انجام رسانده شود، پس تنها او خوانده می شود، برای او نذر انجام می شود، قربانی تنها در راه او صورت می گیرد، باید تنها از او ترس و واهمه داشت و تنها بر او توکل شود، همچنانکه آیات قرآن نیز بیانگر همین واقعیت است: ﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ (الجن: ۱۸). «مساجد از آن خداست، پس هیچ کس

را با خدا نخوانید».

خداوند می فرماید: ﴿لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ﴾ (الرعد: ۱۴). «دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی گویند».

خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (النحل: ۳۶). «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خداى یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!».

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (الانبیاء: ۲۵). «ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: معبودی بحق جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید».

این توحید و یکتاپرستی اصل و اساس اهل بیت علیهم السلام است، هر کس مطابق آن رفتار ننماید پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان از او بریء می باشد. خداوند می فرماید: ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ (التوبة: ۳). «و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند».

و از جمله‌ی مذهب اهل بیت: برپاداشتن فرائض (نماز، زکات، روزه و حج) است، و همچنین امر به معروف، نهی از منکر، دوری از محرمات، محبت سابقین اولین از مهاجر و انصار و پیروان نیکوکار آنها نیز جزو مذهب اهل بیت محسوب می باشد، و از منظر آنها خلفای راشدین فاضل ترین سابقین اولین می باشند، همچنانکه محمد بن حنیفه و برخی دیگر از اصحاب از علی بن ابی طالب نقل کرده اند که گفته: «خیر هذه الامة بعد نبیها: أبوبکر، ثم عمر». «بعد از پیامبر، ابوبکر و سپس عمر بهترین این امت

اسلامی می باشند».

دلایلی که بیانگر فضیلت خلفای راشدین می باشند بیشتر از آن هستند که مورد حساب واقع شوند.

این است مذهب اهل بیت که بیان داشتیم، و شما نیز ادعا می کنید که به منهج اهل بیت تمسک نموده اید، در حالی که بر خلاف آنها رفتار نموده و مخالف آنها هستید، و اهل بیت از منهج و رفتار شما بری است؛ زیرا کسی که مردگان را می خواند، برای رفع نیازهای روزانه و از بین بردن ناراحتیهایش به مردگان پناه می برد، شرک در مناطق آنها پدیدار گشته، بر قبر مردگان گنبد می سازند و همراه خدا آنها را نیز فرا می خوانند، شرک همانند اصلی از اصول دینشان قرار گرفته، فرائض را ترک می نمایند، محرمات و منهیات را دنبال می کنند و اصحاب بزرگواری همچون ابوبکر، عمر و ... را مورد بی حرمتی و دشنام قرار می دهند چگونه ادعای پیروی از اهل بیت را اعلام می دارد^(۱).

امام کماله در این کلمات درخشان بیان داشت که عقیده‌ی اهل سنت و جماعت همان عقیده‌ی اهل بیت است که بر کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنیان شده است، ایشان سخنان خود را با کلماتی آغاز نمودند که پر از محبت و احترام برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، نظر به اینکه فرمودند: لازم است بدانید که تمسک و چنگک فرا زدن به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش اهل بیت موجب سرفرازی در دنیا و آخرت می باشد.

بدون شک قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهان محبت و مودت اهل بیت

هستند

شیخ عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب رحمته الله می گوید: راجع به اهل بیت و حکم ازدواج فاطمیه با غیر فاطمیه از اهل علم سؤال شد؟ در پاسخ اعلام داشتند: بدون شک

(۱) - الدرر السنیه: ۱/ ۲۶۹-۲۷۲.

در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محبت و مودت اهل بیت همانند یک واجب دینی اعلام شده، بنابراین محبت و مودت ورزیدن نسبت به آنها واجب و ضروری است، اضافه بر آن لازم است بدانیم که اسلام با نگاهی مساوی به همه‌ی مردم می‌نگرد، پس جز به تقوی هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد، اما احترام، تقدیر و اجلال اهل بیت و سایر علما همانند یک حکم شرعی واجب است و هنگامی که با کسانی همسطح خود از نظر سن و علم گرد می‌آیند نشاندنشان در صدر مجلس، جلو انداختن آنها در احترام و راه رفتن و ... لازم و ضروری می‌باشد^(۱).

باز می‌گوید^(۲): ما معتقد هستیم که علی بن ابی طالب از معاویه چه رسد به بنی امیه و بنی عباس بیشتر شایستگی مقام خلافت را داشتند، و همچنین معتقد هستیم که حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت می‌باشند، زیرا از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند: «الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة».

(حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت هستند).

و معتقدیم که آنها از یزید، بنی امیه و بنی عباس بیشتر شایستگی مقام خلافت را داشتند.

و باز در کتاب موسوم به «جواب اهل السنة النبوية في نقض كلام الشيعة والزيدية» اهل بیت را در حد گسترده‌ای تمجید و تعریف نموده و بیان داشته که مذهب اهل سنت و جماعت به طور عام و علماء نجد به طور خاص بر آن است که نسبت به اهل بیت نهایت محبت و مودت دارند و جایگاه واقعی خود را به آنها باز می‌گردانند و تمامی افترا و تهمت‌هایی که از جانب اهل بدعت بدانها نسبت داده شده لغو و باطل می‌نمایند... و از جمله سخنان ایشان در این خصوص به طور مختصر و کوتاه عبارت

(۱) الدرر السنیه: ۱/ ۲۳۲-۲۳۳.

(۲) الدرر السنیه: ۱/ ۲۴۶.

است از:

اهل سنت و جماعت که مطابق قرآن و سنت موضع گیری می نمایند از همه ی مردم بیشتر نسبت به اهل بیت محبت می ورزند و پیروی کردن از آنها را مایه ی افتخار و سرافرازی خود قلمداد می نمایند^(۱).

و می گوید: همه ی اهل سنت ولایت علی و اهل بیت را می پذیرند و او را بر معاویه و کسانی که از معاویه نیز بزرگتر هستند تفضیل و برتری می دهند...^(۲).

و بیان داشته: سایر اهل سنت و جماعت ولایت علی و اهل بیت را پذیرفته و آنها را دوست دارند و در برابر بنی امیه - که علی را ناسزا می گویند- موقف نشان می دهند و آنها را از آن کار بازمی دارند، و کتابهایشان را با ثناگویی و اعلام محبت و مولات ایشان آراسته اند، و فضیلت علی و اهل بیت در همه ی کتابهای حدیث نیز ذکر شده است^(۳).

و باز گفته: اما سخن ایشان (اعتراض گیرنده): و از این رو شافعی هنگامی که بدعت گذاری را در میان اهل حق مشاهده نمود، فرمودند:

إِنْ كَانَ رَفُضًا حَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلْيُشْهِدِ الثَّقَلَانِ إِيَّايَ رَافِضِيًّا -

(اگر دوستی خاندان محمد رافضی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند که من رافضی هستم).

همه ی اهل سنت و بسیاری از بدعتگرایانی همچون معتزله، مرجئه و غیره همین سخن شافعی را بیان داشته اند.

و همچنین همانند برخی از علما می گویند:

(۱) ج ۴ ط دار العاصمة - الرياض . ص: ۵۴.

(۲) ص: ۵۹.

(۳) ص: ۶۱-۶۲.

إن كان نصبا حب صحب محمد فليشهد الثقلان أني ناصبي

(اگر دوستی اصحاب محمد نشانه ناصبی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند به اینکه من ناصبی هستم).

بیت نخست: خوارج و برخی از بنی امیه را مخاطب قرار می دهد که نسبت به علی و اهل بیت ایشان نفرت و کینه به دل داشتند، و برخی از آنها کفر اهل بیت را اعلام می داشتند.

و اما بیت دوم: رافضه و زیدیه را مخاطب قرار می دهد که برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد نفرت و دشمنی خویش قرار می دادند... (۱).

و ایشان گفته اند: اما آن دسته و گروهکی از بنی امیه که علی علیه السلام را مورد لعن و نفرت خویش قرار می دادند از نظر اهل سنت ظالم و فاسق محسوب می گردند، و اهل سنت از طریق تبلیغات و نقل روایتهای صحیحی راجع به فضیلت علی علیه السلام با آنها به مبارزه پرداخته اند.

آنها می خواستند با این کار زشت و شنیع خود، از مقام و منزلت علی علیه السلام بکاهند و محبت و مودت ایشان را از دل مردم بیرون آورند، اما خداوند خلاف هدف و انگیزه ی آنها را برای علی علیه السلام به ارمغان آورد و به مقام وی افزود. و اهل سنت و جماعت نیز فضائل ایشان را ظاهر نمودند و آن را در میان مردم منتشر کردند، پس در میان توده ی مردم چه رسد به افراد ویژه، مشهور گشت و در نتیجه همه ی اهل سنت نسبت به او محبت و مودت می ورزند و ولایت او را می پذیرند... (۲).

و باز می گوید: بسیاری از اهل سنت معتقد هستند که علی علیه السلام در جنگ با معاویه رضی الله عنه و همراهانش بر حق بوده است، و همه ی آنها متفق هستند بر اینکه علی علیه السلام از

(۱) ص: ۶۲.

(۲) ص: ۶۵.

معاویه رضی الله عنه و همراهانش به حق نزدیک تر بوده اند^(۱).

و بیان می دارد: ماجرای حسین رضی الله عنه و اهل بیت ایشان مایه رفعت درجه و امتیازات او در برابر خداوند متعال می باشد^(۲).

و در پاسخ به اعتراضی راجع به انحراف اهل سنت و جماعت از اهل بیت چنین بیان داشته:

این یک دروغ واضح و روشنی علیه اهل سنت و جماعت می باشد، زیرا آنها از اهل بیت منحرف نگشته اند، بلکه از اصول دین آنها محبت، موالات و صلوات بر اهل بیت نبوی در نماز و ... می باشد، و تنها جهت دوری از طولانی شدن بحث، از نقل قول آنها راجع به این قضیه صرف نظر می نمایم^(۳).

و می گوید: کسانی که در حق اهل بیت ظلم و ستم روا می دارند و با آنها و یا اینکه با یکی از آنها به جنگ و ستیز می پردازد از منظر اهل سنت و جماعت همانند ستمگر و ظالم شناخته می شود و هرگز بدانها محبت و مودت نمی ورزند، بلکه نهایت عداوت و دشمنی را با آنها در میان می گذارند و آنها را لعنت و نفرت می کنند، و کتابهای اهل سنت را می بینیم که نسبت به اهل بیت نهایت ادب و ثناگویی را رعایت نموده و برایشان دعای خیر خوانده^(۴).

و بعد از نقل احادیثی راجع به فضیلت اهل بیت می گوید: این احادیث بیانگر این است که اجماع اهل بیت همانند حجتی تلقی می شود و اینکه آنها بر باطل گردهم نمی آیند، زیرا خداوند آنها را از باطل محفوظ می دارد همانگونه که امت اسلامی را بر

(۱) ص: ۶۹.

(۲) ص: ۷۳.

(۳) ص: ۷۹.

(۴) ص: ۷۷.

گمراهی گرد نمی آورد^(۱).

و گفته: اهل سنت نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله محبت و مودت می ورزند و به تمامی صفاتی که در قرآن برای خداوند ذکر شده ایمان دارند تا آنجا که می گوید: زیرا اهل بیت از کتاب خدا جدا نگشته و با آن مخالفت نمی نمایند، همچنانکه در حدیث آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ولن یفترقا حتی یردا علی الحوض...».

«آنها هرگز از هم نمی شوند تا کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند»^(۲).

و بیان می دارد: و اما ادعای اینکه اهل سنت نسبت به ناسزاگویی در حق علی رضی الله عنه اعلام رضایت نموده اند یک دروغ و تهمت محض است و هیچ کس در این خصوص شک و شبهه ای ندارد، زیرا آنها از قدیم الایام تا به امروز با هر گونه ناسزاگویی در حق علی رضی الله عنه به جنگ و ستیز پرداخته اند...^(۳).

و پیرامون مسأله استسقاء گفته: فقهای اهل سنت گفته اند: توسل به افراد صالح جهت استسقاء سنت و مستحب می باشد، و بهتر و افضل تر این است که افراد صالح و نیکوکار را از میان خویشان پیامبر انتخاب نمایم^(۴).

و باز نقل شده که راجع به آیه: ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا بُنِنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (النساء: ۱۱۵).

«کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید».

از شیخ عبدالله بن محمد سؤال شد: آنهایی که خداوند دستور داده از راه و منهجشان پیروی شود چه کسانی هستند؟ اگر در پاسخ بگویید: آنها اصحاب پیامبر

(۱) ص: ۹۱.

(۲) ص: ۱۰۵.

(۳) ص: ۲۰۶.

(۴) مجموعة الرسائل و المسائل التجدیة ۱/ ۶۵.

علیهم السلام و رهروان منهج و روش آنهایند. باز می پرسیم: آیا علی بن ابی طالب، حس و حسین، صادق، باقر، نفس زکیه، حسن بن حسن و امثال آنها از نسل علی و فاطمه علیهم السلام از همان مؤمنانی محسوب می باشند که خداوند مخالفت با منهجشان را نکوهیده است؟ یا اینکه آنها جزو این افراد محسوب نمی گردند؟

در پاسخ فرمودند: علی بن ابی طالب، حسن و حسین، طلحه و زبیر، اصحاب بدر، معاویه بن ابوسفیان و همراهانش از اهل شام علیهم السلام اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، لذا قائل به ولایت همه ی آنها هستیم، از اختلافات آنها دوری می گزینیم و از خداوند طلب مغفرت برای اشتباهاتشان می نماییم، همانگونه که خداوند به ما دستور داده: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ (الحشر: ۱۰). «همچنین) کسانی که بعد از آنها (مهاجران و انصار) آمدند و می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز».

و همان سخن برخی از علما را تکرار می کنیم که گفته اند:

إِنْ كَانَ نَصَبًا حَبِ صَحْبِ مُحَمَّدٍ فَلِيْشَهْدِ الثَّقَلَانِ أَنْي نَاصِبِي

(اگر دوستی اصحاب محمد نشانه ناصبی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند به اینکه من ناصبی هستم).

و در برابر کسانی که به دشمنی و نفرت و تبری از اهل بیت دستور می دهند، همان سخن برخی از علما را تکرار می نماییم که گفته اند:

إِنْ كَانَ رَفْضًا حَبِ آلِ مُحَمَّدٍ فَلِيْشَهْدِ الثَّقَلَانِ إِنْي رَافِضِي—

(اگر دوستی خاندان محمد رافضی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند که من رافضی هستم).

و اما سخن شما که می پندارید: ما منکر علم، دانش، اقوال و مذهب اهل بیت می باشیم و با مذهب زیدی (زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام) مخالف

هستیم؛ این یک دروغ و بهتان بزرگی علیه ما است، زیرا زید بن علی از نظر ما جزو علماء این امت می‌باشد، لذا هر گونه منقولات صحیحی از او که موافق قرآن و سنت باشد با دل و جان آن را می‌پذیریم، و هر آنچه مخالف قرآن و سنت باشد هرگز بدان تن نمی‌دهیم، همچنان که با اقوال سایر ائمه نیز چنین برخورد می‌نماییم^(۱).

خواننده‌ی گرامی: با قلب و بینشی پر از محبت حق و حقیقت.. گوشه‌هایی متنفر از شنیدن دروغ و بهتان و چشمانی که عاشق برهان و دلیل است به نکات زیر توجه کن:

- آیا کسی که محبت و موالات اهل بیت را واجب و ضروری می‌داند ممکن است که آنها را مورد نفرت و کینه قرار بدهد؟

- آیا معقول است کسی که محبت و موالات اهل بیت را همانند اصلی از اصول دین قرار داده با آنها به دشمنی و حداوت پردازد؟

- آیا ممکن است کسی که اجماع اهل بیت را حجت قلمداد نموده و اعلام داشته آنها بر گمراهی گرد نمی‌آیند با اهل بیت به مخالفت پردازد؟

(۱) الدرر السنیه من الأجوبة النجدية : ۱/ ۲۴۹.

محبت علی علیه السلام نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق است

شیخ سلیمان بن عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب رحمته الله علیه می‌گوید:

عبارت «یحب الله ورسوله ویحبه الله ورسوله» خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند) بیانگر فضیلت سترگی برای علی علیه السلام می‌باشد، زیرا این گواهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ایشان است. و همچنین بیانگر آن است که علی علیه السلام به طور کامل از پیامبرش تبعیت و پیروی نموده و به درجه‌ای دست یافته که خدا او را دوست داشته باشد، از این رو محبت او نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق می‌باشد^(۱).

و باز گفته: و علی ابن ابی طالب همان امام ابوالحسن هاشمی عموزاده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسر فاطمه‌ی زهراء دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که نام اجدادش ابوطالب عبدمناف بن عبدالمطلب بن هاشم قریشی می‌باشد، ایشان از سابقین اولین به اسلام است که در جنگ بدر و بیعت‌الرضوان شرکت داشته و یکی از آن ده نفر می‌باشد که در دنیا گواهی بهشت برایشان اعلام شد و خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد. ایشان دارای فضائل و مناقب بسیاری هستند و در ماه رمضان سال چهارم هجری به دست ابن ملجم خارجی به درجه شهادت نائل آمدند^(۲).

باز در همان رساله آمده است: «عبارت: از علی بن حسین» یعنی: فرزند علی بن ابی طالب معروف به زین العابدین علیه السلام که از میان اقوام و خویشان خود بزرگترین و داناترین تابعین به شمار می‌آید. زهری می‌گوید: از میان اهل قریش بافضیلت‌تر از او را ندیده‌ام و بنا به قول صحیح ایشان در سال (۹۳ هـ) وفات فرمودند. پدر ایشان حسین، نوه و ریحانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده و در روز عاشوراء سال ۶۱ هـ در سن ۵۶ سالگی به درجه‌ی شهادت نائل آمدند^(۳).

این همان عقیده‌ای است که امام محمد بن عبدالوهاب فرزندان و نوه‌های خود را

(۱) تیسیر‌العزیز‌الحمید: ۱/۱۰۷. حافظ نیز همین مفاهیم را ذکر نموده است.

(۲) ۱۵۷/۱

(۳) ۳۰۹/۱

بر آن تربیت نمود که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست بدارند و حق آنها را شناخته و آنها را در مقام و منزلتی قرار بدهند که خدا و رسولش بدانها داده است.

اهل مدینه و اهل بیت علیهم السلام گردانندگان سنت می باشند

شیخ عبدالرحمن بن حسن آل الشیخ رحمته الله در کتاب «فتح المجید» هنگام شرح (باب ما جاء في حماية المصطفى صلی الله علیه و آله جناب التوحید وسده كل طریق یوصل إلى الشریک) سخنی به مضمون زیر از شیخ الاسلام ابن تیمیه را نقل می کند:

شیخ الاسلام رحمته الله گفت: اهل مدینه و اهل بیت که از خویشان و همشهریان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند گردانندگان سنت می باشند، زیرا آنها از سایر مردم بیشتر بدان نیاز داشتند، پس آنها سنت را در کنترل خود قرار دادند^(۱).

و در باب منکر چیزی از اسماء و صفات می گوید: علی: امیر مؤمنان فرزند ابی طالب، پدر حسن و یکی از خلفای راشدین می باشد^(۲).

اینک یکی از نوه های شیخ محمد بن عبدالوهاب است که از شیخ الاسلام نقل قول می نماید و برای او اقرار می نماید که اهل بیت با توجه به اینکه از خویشان و همشهریان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند گردانندگان سنت می باشند و آن را در زیر نظر خود قرار داده اند، ایشان به خاطر شناختی که راجع به حق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و تقدیر و احترام از آنها را دارد و پیروی از دستورات خداوند و پیامبرش را واجب می داند معتقد است که علی بن ابی طالب یکی از خلفای راشدین می باشد و از سابق ترین سابقین است.

راجع به فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به درجه صحت رسیده

(۱) تحقیق: د. ولید بن عبدالرحمن آل فریان ط. دار الصمیعی (۱/۴۲۹).

(۲) ۶۷۴ / ۲

فرزندان امام محمد بن عبدالوهاب و شیخ حمد بن ناصر معمر می‌گویند: و اما در پاسخ سؤالِ راجع به فضائل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوییم: راجع به فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به درجه صحت رسیده؛ لازم به ذکر است که بسیاری از احادیث جعلی راجع به فضائل اهل بیت از نظر حفاظ مردود شمرده شده‌اند و آن را صحیح قلمداد نموده‌اند، اما همان روایات صحیح راجع به فضائل آنها کافی است^(۱).

علی عليه السلام خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد

هنگامی که راجع به هجرت مسأله‌ای از سلیمان بن سحمان^(۲) پرسیدند، در پاسخ گفت: ... و هر کس آن را عیب شمارد و یا آن را انکار نماید در واقع از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به خصوص علی بن ابی طالب عليه السلام عیب گرفته است، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علیکم بستتی وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدي، تمسکوا بها وعضوا علیها بالنواجذ، وإیاکم ومحدثات الأمور؛ فإن کل محدثة بدعة وکل بدعة ضلالة».
(به سنت من و سنت خلفای هدایت‌یافته‌ی هدایت‌دهنده‌ی بعد از من چنگ زیند و آن را محکم بگیرد و از دست ندهید، و از نوآوری در دین پرهیزید، زیرا هر گونه نوآوری دینی بدعت، هر بدعتی گمراهی است). و علی عليه السلام خلیفه‌ی چهارم از خلفای هدایت‌یافته‌ی هدایت‌دهنده می‌باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله به ما دستور داده سنت و هدایت آنها را فرا چنگ خود قرار دهیم. پس هر کس منکر آنچه باشد که ذکر نمودیم و از آن عیب و نقص بگیرد، اشتباه کرده و بهره‌ای از علم و دانش نبرده است و از چیزی حرف زده که نسبت بدان بی‌آگاه و نادان است^(۳).

(۱) الدرر السنیه ۱ / ۲۰۸.

(۲) ایشان دانشمندی فهیم و دعوتگر شاعر هستند و اهل منطقه عسیر جنوب جزیره عربی می‌باشند که در سال ۱۳۴۹ هـ وفات فرمودند.

(۳) الدرر السنیه: ۱ / ۵۹.

و در کتاب «الضیاء الشارق» تحت حدیث استسقاء عمر رضی الله عنه به دعای عباس رضی الله عنه عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین می گوید: ... و بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دعای عباس توسل نمودند و استسقاء (طلب باران) کردند. و از این رو علماء گفته اند: استسقاء با توسل به افرادی نیکوکار و اهل دین مستحب و سنت است. و بهتر آن است که به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسل شود^(۱).

در هنگام شرح حدیث «أذكرکم الله فی اهل بیتی»^(۲) می گوید: ... این حدیث بیانگر تشویق و تحریک مسلمانان است برای اینکه نسبت به اهل بیت محبت و مودت داشته باشند، ولایت آنها را بپذیرند و حقوق آنها را ضایع نمایند...^(۳).

شیخ، در این عبارات ارزشمند و پرفایده بُرد و مسافت محبت پیروان این دعوت را - که امتدادی برای منهج سلف صالح اهل سنت و جماعت می باشند- نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان داشت، ایشان انکار سنت خلیفه‌ی هدایت یافته‌ی هدایت‌دهنده را کاری زشت و شنیع می‌شمارد و خطر آن کار را چنین به تصویر می‌کشد که فرمودند: اشتباه کرده و بهره‌ای از علم و دانش نبرده است و از چیزی حرف زده که نسبت بدان بی‌آگاه و نادان است. و در خصوص مسأله‌ی استسقاء نیز سخنانی ارائه دادند که بیانگر تعظیم و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

محبت اهل بیت از چند طریق واجب است

شیخ عبدالرحمن بن ناصر بن سعدی رحمته الله در شرح سخنان شیخ الاسلام ابن تیمیه راجع به موضع اهل سنت و جماعت در برابر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گوید:

محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چند طریق واجب و ضروری است: از جمله: به خاطر

(۱) تحقیق: عبدالسلام آل عبدالکریم ط: دار العاصمة ۱۴۲۱ هـ (ص: ۵۵۲).

(۲) مسلم ۲۴۰۸.

(۳) الحجج الواضحة الإسلامية. تحقیق: محمد الفوزان ط: مكتبة الرشد ۱۴۲۰ هـ، ص: ۳۱۲.

اسلام، فضیلت، سوابق، خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تشویق و تحریک پیامبر برای محبت آنها و اینکه محبت آنها نشانه‌ی محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است^(۱).

به سخنان این علامه‌ی محقق نگاه کنید که بیان داشته محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چند طریق نه از یک طریق واجب گشته است، و این نشانه‌ی نهایت محبت و مودت ایشان نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد

شیخ محمد بن ابراهیم رحمته الله تحت عنوان «فضیلت اهل بیت و اعتدال در محبت آنها» می‌گوید:

- فضیلت اهل بیت واضح و معلوم است و دلایل امتیازاتی نیز که آنها به خاطر خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسب کرده‌اند، واضح و آشکار است، بنابر این واجب است محبت آنها نسبت به سایر مسلمانان بیشتر باشد.

این است عقیده‌ی یکی از نوه‌های معاصر شیخ محمد بن عبدالوهاب - رحمهم الله اجمعین - که عبارت است از اینکه: محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد.

استفاده از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به اهل بیت

در سخنان امام محمد بن ابراهیم آل‌الشیخ به وفور دیده می‌شود که ایشان از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به اهل بیت استفاده نموده است، حال جهت تبیین و توضیح احترام، بزرگداشت و نهایت محبت این امام بزرگوار برای اهل بیت از کتاب «مجموع الفتاوی» برخی از سخنان ایشان در این خصوص را نقل می‌نمایم:

ایشان بیان داشته‌اند: الحمد لله والصلاة والسلام على من لا نبي بعده. و بعد: ناصر بن

(۱) التنبهات الطيفة فيما احتوت عليه العقيدة الواسطية من المباحث المثينة (ص: ۱۲۱).

صامل شریف راجع به برپاداشتن جمعه در مسجد واقع در محله‌ی حزم از روستاهای رنیه از من سؤال کرد...^(۱)

و باز می‌گوید: ... و سید بزرگوار شیخ عباس مالکی و فضیلت شیخ محمد حرکان رئیس دادگستری بزرگ جده به مشارکت محمد بن لادن مدیر تأسیسات حکومتی، محمد صالح قزار، حسین عجاج معلم و دو مهندس فنی طارق شواف و طه قرملی پیرامون توسعه‌ی اردوگاه ...^(۲)

و گفته: از محمد بن ابراهیم به بزرگواران یاران فضیلت مشایخ کرام: شیخ عبدالله بن جاسر رئیس هیئت تشخیص مکه، شیخ سلیمان بن عبید رئیس دادگستری بزرگ مکه، شیخ سید علوی عباس مالکی مدرس مسجد حرام، شیخ عبدالعزیز بن فوزان عضو هیئت تشخیص مکه مکرمه ...

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.. و بعد: ...^(۳)

و بیان داشته: از محمد بن ابراهیم به شخصیت برجسته و شریف جناب مکرم بن عبدالکریم راجحی (خدا او را محفوظ بدارد): السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.. و بعد:

راجع به استفتای شما در خصوص ازدواج دخترت با فردی از غیر اشراف اطلاع یافتم...^(۴)

و گفته: از محمد بن ابراهیم به حضرت سید علی البار محترم: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.. و بعد: ...^(۵)

(۱) مجموع فتاوی و رسائل الشیخ محمد بن ابراهیم (۳/۳۲).

(۲) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۵/۱۳).

(۳) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۵/۱۷۲).

(۴) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۱۰/۱۲۱).

(۵) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۹/۷۴).

راجع به استفتای شما در خصوص رباط وقف شده بر سادات علوی به موجب آنچه که وقف کننده مشروط دانسته و کپی آن در پیوست نامه می‌باشد... .
و بیان داشته: و با اطلاع بر قواله وقف که از دادگستری مکه با شماره (۳۱) مؤرخه ۱۳۳۱/۱/۲۰ و شماره (۱۲۸) مؤرخه ۱۳۳۱/۱۲/۱۹ هـ و آنچه متضمن آن اولاً سید عبدالله دباغ می‌گوید که برادرش محمد، ناظر بر رباطهایی بوده و فوت کرده و آن رباط زنی شریفه بنام لبابه دختر سلطان اسماعیل واقع شده در مکه محله اجیاد، و وقف دیگر واقع شده در محله شامیه با خط سویقه، و وقف دیگر واقع شده در شعب عامر که واقف آن سلطان مغرب حسن بوده، و مصاریف وقف و شرطهای آن را ذکر کرده ...

و بیان داشته: از محمد بن ابراهیم به حضرت استاد سید علوی مالکی محترم: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.. و بعد:

نامه‌ی شما به مورخه‌ی (۷۵/۲۹) همراه نسخه‌ای از مجموعه تألیفات شما به دست ما رسید و در صفحات (۱۷۳ و ۷۴ و ۷۵) بحث (التحذیر من التبشیر) را مطالعه کردم و آن را همانند بهترین بحث تلقی نمودم. خداوند شما را توفیق دهد و از پاداش نیک محروم نگرداند...^(۱).

آیا ممکن است افراد منصف بعد از این بگویند: شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش نسبت به اهل بیت عليهم السلام نفرت و کینه به دل دارند!!؟

فضیلت علی عليه السلام و مناقب فراوان او

علامه عبدالرحمن بن قاسم نجدی رحمته الله راجع به مسأله‌ی تحریم زکات بر بنی هاشم

(۱) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۱۳/ ۱۲۰-۱۲۱).

می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علت آن را چنین بیان داشت که زکات پلیدی مردم است و بر او صلی الله علیه و آله و سلم و بنی هاشم و موالیهایشان حرام می باشد، زیرا آنها مردمانی شریف هستند^(۱).

و در شرح حدیث: پرچم را به کسی می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، خداوند خیر را به دست او فتح خواهد کرد. مردم آن شب را با بحث و جستجوی اینکه پرچم به کدام یک از آنها داده می شود به سر بردند. وقتی که صبح شد نزد پیامبر رفتند و هر یک امیدوار بودند که پرچم به او داده شود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی بن ابی طالب کجا است؟

بیان داشته که: این حدیث بیانگر فضیلت علی و فراونی مناقب وی می باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طور خاص برای او گواهی دادند... تا آنجا که می گوید: این حدیث بهترین دلیلی است علیه نواصبی (امثال خوارج) که ولایت او را نمی پذیرند، یا اینکه او را تکفیر می نمایند و یا اینکه او را فاسق می شمارند ...^(۲).

عقیده‌ی همه‌ی اهل سنت و جماعت و همچنین عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش بر این است که هر کس ولایت علی رضی الله عنه را نپذیرد و بدان اقرار ننماید ناصبی و بدعت گرا است.

فاطمه علیها السلام از زنان کامل و سید زنان بهشت است

در (فتاوی اللجنه الدائمة: ۳/ ۲۳۵) آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه مزده داد که ایشان سید و بزرگ زنان بهشت می باشند.

و در (فتاوی و مقالات ابن باز: ۴۰۲/۷) آمده: ... از میان مردها افراد زیادی به درجه‌ی کمال دست یافته‌اند، اما محمد صلی الله علیه و آله و سلم از همه‌ی آنها کامل تر و فاضل تر است؛ زیرا در روایت صحیحی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند: «کمل من الرجال کثیر، و

(۱) حاشیه‌ی شماره ۴ کتاب (الروض المربع: ۳/ ۳۳۰).

(۲) حاشیه‌ی ایشان بر کتاب التوحید. ص: ۶۱.

لم يكمل من النساء إلاّ مريم ابنة عمران وآسية ابنة مزاحم - یعنی زوجه فرعون - وفضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام».

(مردهای زیادی به درجه‌ی کمال رسیده‌اند، اما از میان زنان جز مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) زن دیگری به آن درجه دست نیافته است، و فضل و برتری عایشه بر سایر زنان مانند فضل و برتری آب گوشت بر سایر غذاها است).
و در روایاتی دیگر به ثبوت رسیده که پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: خدیجه دختر خویلد رضی الله عنها مادر فرزندان پیامبر صلى الله عليه وآله جزو زنان کامل می‌باشد و به همین سان راجع به فاطمه دختر پیامبر صلى الله عليه وآله نیز به ثبوت رسیده که فرمودند: ایشان سید زنان اهل بهشت می‌باشند، پس اینان (پنج زن ذکر شده) زنانی هستند که در میان سایر زنان به درجه‌ی کمال دست یافته‌اند.

عقیده‌ای که پیروان امام محمد بن عبدالوهاب بدان ایمان دارند و دانشمندان فرهیخته‌ی ایشان بدان تصریح می‌نمایند عبارت است از اینکه: فاطمه‌ی زهرا عليها السلام جزو زنان کامل و سید زنان بهشت می‌باشد.

علی بن ابی طالب عليه السلام بزرگترین هدایت دهنده است

شیخ حمود بن عبدالله تویجری رحمته الله می‌گوید: ... و اما اجماع: اهل سنت و جماعت اجماع نظر دارند بر اینکه خلفای راشدین مهدیین نامی است برای ابوبکر، عمر، عثمان و علی ... ^(۱).

و گفته: و لازم است بدانید که عیسی بن مریم بعد از رسول خدا فاضل‌ترین هدایت‌دهندگان است، و بعد از ایشان نیز ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم بزرگترین هدایت‌دهندگان می‌باشند ^(۲).

(۱) الاحتجاج بالاندر علی من أنکر المهدي المنتظر: ص: ۱۷.

(۲) ص: ۱۱۳.

و باز گفته: اهل سنت قائل به ولایت همه‌ی مؤمنان هستند، فضیلت و ارزش اصحاب را می‌شناسند، حقوق آنها و اهل بیت را مراعات کرده و به کردار افرادی همچون مختار بن ابی عبید و ... از دروغگویان و حجاج و ... از ستمگران راضی نمی‌باشند^(۱).

شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارند و محبت آنها را وسیله‌ی تقرب به خدا قرار می‌دهند

از امام عبدالعزیز ابن باز رحمته الله سؤال شد:

آیا صحیح است که وهابیون با اهل بیت دشمنی می‌ورزند و از مقام سید مخلوقات می‌کاهند؟ و حقیقت دعوت وهابیون چیست؟ و چرا به این شکل می‌جنگند؟
در پاسخ گفتند: شیخ محمد رحمته الله و پیروان تلاشگر ایشان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست داشته و قائل به فضل آنها می‌باشند، ایشان با توسل به محبت اهل بیت و دعای مغفرت، رحمت و رضایت برای افرادی همچون عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان ایشان، و افرادی همچون خلیفه‌ی چهارم علی بن ابی طالب رضی الله عنه و فرزندان ایشان (حسن و حسین و محمد رضی الله عنه) و سایر اهل بیت که در توحید، اطاعت از خدا و بزرگداشت شریعت الهی رهرو آنها بوده‌اند، به خداوند تقرب می‌جویند^(۲).
و ضمن رساله‌ی دیگری^(۳) می‌گوید: و از این طریق ماجرای میان علی و معاویه رضی الله عنه به وقوع پیوست، از نظر اهل سنت علی رضی الله عنه بر حق بوده و در اجتهاد خود دو اجر را کسب نموده، و معاویه رضی الله عنه و همراهانش اشتباه کرده‌اند و علیه علی رضی الله عنه شورش نموده، اما ایشان خواهان حقیقت بوده و اجتهاد نموده، لذا یک اجر و پاداش را می‌گیرد. خداوند از همه‌ی آنها راضی باد.

(۱) ص: ۷۰۹.

(۲) از جمله سؤالهای روزنامه‌ی «المسلمون» ۱۲/۳/۱۴۱۷.

(۳) مفهوم الاحادیث المتعلقة بالفتن: ۷/۳۶۳.

و در رساله‌ی دیگری^(۱) می‌گوید: ... پیامبر صلی الله علیه و آله روز عرفه در حجة الوداع خطاب به مردم فرمودند: «إني تارك فيكم ما لن تضلوا إن اعتصمتم به: كتاب الله». و يقول صلی الله علیه و آله أيضاً: «إني تارك فيكم ثقلين: كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي».

(در میان شما کتاب خدا (قرآن) را جا گذاشته‌ام که اگر بدان چنگک فراز نید هرگز گمراه نخواهی شد) و در روایت دیگری آمده که فرمود: (من دو چیز گرانبها را در میان شما جا می‌گذارم: نخست کتاب خدا (قرآن) است که حاوی هدایت و نور می‌باشد، پس کتاب خدا را بگیرید و بدان تمسک جوئید. و دیگری: اهل بیت است، در حق اهل بیت خدا را به یاد شما می‌آورم).

مراد پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت: همسران و خویشاوندانش از بنی هاشم است، راجع به اهل بیتش خدا را به یاد مردم می‌آورد که نسبت به آنها با مهربانی و نیکوکارانه رفتار نمایند، آنها را اذیت و آزار نرسانند و تا وقتی که بر دین اسلام ماندگار باشند و از شریعت الهی تبعیت نمایند حقوق آنها را بپردازند.

و باز آمده^(۲) که:

س: کلمه «یا سید فلان» در میان ما به وفور استعمال می‌شود، زیرا شخص مخاطب با خانواده‌ی مشخصی فامیل می‌باشد، آیا این حرف صحیح است؟

ج: اگر با این نام شناخته شده باشد اشکالی ندارد؛ زیرا کلمه‌ی «سید» برای رئیس، فقیه، دانشمند و نسل فاطمه از فرزندان حسن و حسین استعمال می‌شود و در میان مردم رایج گشته است. لازم به ذکر است که عرب رئیس قوم خود را «ساده» می‌نامند. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از اعرابهای اطراف مدینه که به خدمتش می‌رسیدند، می‌پرسید: ای بنی فلان سید شما

(۱) الوصية بكتاب الله القرآن الكريم: ۱۴/۹.

(۲) مجموع فتاوی و مقالات متنوعه: ۹/۲۹۰-۲۹۱.

کیست؟ یعنی رئیس شما کیست؟

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راجع به حسن رضی الله عنه فرمود: «إن ابني هذا سيد، ولعل الله أن يصلح به بين فئتين عظیمتين من المسلمین...».

(این فرزند من سید است و امید دارم که خداوند به وسیله‌ی او میان دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح و آشتی برقرار نماید).

این عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب است که از کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استنباط نموده و بدان باور داشت و آن را در کتابهایش منتشر می‌نمود، و همه‌ی پیروان و دوستانش نیز همین عقیده را دنبال کردند و از آن پیروی نمودند، اینک امام معاصر با کمال وضوح و روشنی تصریح می‌نماید و می‌گوید:

شیخ محمد رحمته الله و پیروان تلاشگر ایشان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست داشته و قائل به فضل آنها می‌باشند، ایشان با توسل به محبت اهل بیت و دعای مغفرت، رحمت و رضایت برای افرادی همچون عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فرزندان ایشان، و افرادی همچون خلیفه‌ی چهارم علی بن ابی طالب رضی الله عنه و فرزندان ایشان (حسن و حسین و محمد رضی الله عنه) و سایر اهل بیت که در توحید، اطاعت از خدا و بزرگداشت شریعت الهی رهرو آنها بوده‌اند، با محبت آنها به خداوند تقرب می‌جویند.

محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یکی از اصول اهل سنت و جماعت است

علامه شیخ محمد بن عثیمین رحمته الله می‌گوید: ... ظاهراً کلمه‌ی «سید» برای نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی فرزندان فاطمه رضی الله عنها از دختر و پسر استعمال می‌شود. و کلمه‌ی «شریف» نیز برای آنها بکار برده می‌شود، و برخی اوقات کلمه‌ی «شریف» برای هاشمی استفاده می‌شود^(۱).

(۱) فتاوی‌ی سؤال. ج ۳ ص ۶۹.

و گفته: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عبارتند از؛ همسران ایشان و همه‌ی خویشاوندانش که زکات بر آنها حرام است، امثال: خاندان علی، جعفر، عباس و ...؛ و آنچه واجب است که در برابر آنها انجام شود محبت، احترام و بزرگداشتشان می‌باشد، زیرا آنها به خدا ایمان داشتند و از خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راجع به آنها چنین توصیه فرموده: «أذکرکم الله فی أهل بیتی».

(راجع به اهل بیتم خدا را به یاد شما می‌آورم).

و به خاطر اینکه محبت و بزرگداشت آنها نشانه‌ی ایمان است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «والله لا يؤمنون حتی یحبوکم لله ولقرباتی».

(به خدا سوگند تا وقتی که شما را به خاطر خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد)^(۱).

و باز در شرح «لمعة الاعتقاد» بیان می‌دارد: این چهار نفر خلفای هدایت یافته و هدایت دهنده‌ای هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق آنها فرمود: «علیکم بسنتی، وسنة الخلفاء الراشدين من بعدی، عضوا علیها بالنواجذ».

(به سنت من و سنت خلفای هدایت یافته‌ی هدایت‌دهنده‌ی بعد از من چنگک فرازید و آن را محکم با دندان بن خود بگیرید)^(۲).

و باز در همان نوشتار بیان داشته: حسن، حسین و ثابت بن قیس نیز از کسانی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای آنها گواهی بهشت دادند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة»^(۳).

(حسن و حسن سید و رئیس جوانان اهل بهشت هستند).

(۱) مجموع الفتاوی: ۴/ ۳۰۷.

(۲) مجموع الفتاوی: ۵/ ۷۸-۷۹.

(۳) رواه الترمذی و قال حسن صحیح.

و خطاب به ثابت بن قیس فرمودند: «إنک لست من أهل النار، ولكنک من أهل الجنة»^(۱).

(شما از اهل دوزخ نیستی، بلکه از اهل بهشتی).

حسن نوه و ریحانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، ایشان امیر مؤمنان بن امیر مؤمنان علی بن ابی طالب رضی الله عنه هستند، در ۱۵ رمضان سال سوم هجری چشم به دنیا گشودند و در ربیع الاول سال (۵۰ هـ) در شهر مدینه وفات فرمودند و در قبرستان بقیع دفن شدند.

و حسین نیز نوه و ریحانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، ایشان فرزند علی بن ابی طالب رضی الله عنه هستند، در شعبان سال (۴ هـ) چشم به دنیا گشودند و در (۱۰ محرم سال ۶۱ هـ) در کربلا به درجه‌ی شهادت نائل آمدند^(۲).

و بیان داشته: ما بر محبت این اصحاب خدا را گواه می‌گیریم، و با زبانمان به نحو شایسته‌ای آنها را تمجید می‌نماییم؛ و از آن دو منهج گمراه تبرئه می‌جویم: منهج روافضی که در حق اصحاب ناسزا می‌گویند و راجع به اهل بیت افراط می‌نمایند؛ و منهج نواصبی که اهل بیت را مورد دشمنی و کینه خود قرار می‌دهند، و معتقدیم که اگر اهل بیت از اصحاب باشند، سه حق را دارند: حق ایمان، حق صحابه بودن و حق خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم^(۳).

و در همان نوشته در شرح قول مصنف که گفته: «و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست دارند» می‌گوید:

یعنی: و از جمله اصول اهل سنت و جماعت این است که به خاطر دو ویژگی اهل بیت را دوست دارند: یکی: ایمان و دیگری: خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و هرگز آنها را

(۱) رواه البخاری.

(۲) مجموع الفتاوی: ۵/ ۸۰-۸۱.

(۳) شرح الواسطیة: ۵۸۸ [ط: الاولى. دار الثریا].

مورد نفرت قرار نمی‌دهند.

بنابر این محبت علی عليه السلام از طریق تنفر و نفرت از ابوبکر و عمر رضی الله عنهما ممکن نیست، تا اینکه چنان تلقی شود که ابوبکر و عمر با علی دشمن بوده‌اند، با وجود اینکه به تواتر رسیده است که علی عليه السلام بر منبر آنها را می‌ستود.

می‌گوییم: ما بر محبت اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله و خویشاوندی ایشان خدا را گواه می‌گیریم، آنها را به خاطر محبت خدا و رسولش مورد محبت و مودت خویش قرار می‌دهیم.

عباس وقتی که شکایت دوری قریش از بنی هاشم را نزد پیامبر صلى الله عليه وآله برد، در جواب فرمودند: «والذي نفسي بيده لا يؤمنون حتى يحبوكم لله ولقرايتي».

(سوگند به کسی که جان من در دست او است تا وقتی که شما را به خاطر خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد).

پیامبر صلى الله عليه وآله سوگند یاد نمودند که ایمانشان کامل نخواهد شد تا وقتی که به خاطر خدا آنها (اهل بیت) را دوست نداشته باشند، این نوع از محبت سایر مسلمانان نیز با آنها مشارکت دارند، زیرا بر هر مسلمانی واجب است که به خاطر خدا سایر مسلمانان را دوست داشته باشد، اما وقتی فرمودند: «و به خاطر خویشاوندی با من» این یک محبت اضافی است که علاوه بر محبت و مودت به خاطر خدا تنها شامل اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله می‌باشد.

پس عقیده‌ی اهل سنت و جماعت راجع به اهل بیت عبارت است از اینکه: آنها را دوست داشته و ولایت آنها را پذیرفته و وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله در خصوص آنها را اجرا می‌نمایند. و مقام و منزلتی ما فوق منزلت واقعی را به آنها نمی‌دهند، بلکه از کسانی تبرئه می‌جویند که در حق آنها تا حد الوهیت افراط نموده‌اند.^(۱)

و در «منهاج أهل السنة والجماعة» می گوید: ... اهل سنت و جماعت نیز می گویند: برخی از اصحاب دارای امتیازاتی ویژه هستند و لازم است که آنها را در مقام خود قرار داد، بنابر این اصحابی که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، امثال: علی بن ابی طالب، حمزه، عباس، ابن عباس و ... از نظر ما - به خاطر قرابتی که با پیامبر صلی الله علیه و آله دارند - محبوب تر از سایر اصحاب می باشند.

تا آنجا که می گوید: اهل سنت و جماعت همانند روافض در خصوص اهل بیت افراط نمی کنند، و همانند نواصب نیز با آنها به جنگ و عداوت نمی پردازند، بلکه در میان آن دو منهجی میانه را دنبال می کنند، و به خاطر قرابتی که با پیامبر صلی الله علیه و آله دارند حق آنها را شناخته و منزلت و مقام واقعی را بدانها می دهند^(۱).

و در شرح بیت شماره ۱۸۴ کتاب «شرح السفارینه» می گوید: ... ما به دو دلیل مؤمنان اهل بیت را دوست داریم، یکی اینکه مؤمن هستند، دیگری اینکه با پیامبر صلی الله علیه و آله خویشاوند هستند، و از این رو آنها را بر دیگران برتری می دهیم، اما به طور مطلق آنها را از فضیلت برخوردار نمی نماییم، بلکه منزلت و مقام واقعی را برایشان در نظر می گیریم، آنها (اهل بیت) نیز کاملاً بدان راضی هستند، زیرا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه که امام اهل بیت است بر منبر کوفه اعلام می داشت: «خیر هذه الأمة بعد نبیها أبوبکر ثم عمر».

(بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ابوبکر سپس عمر بهترین خلق خدا می باشند).

و در شرح بیت شماره (۱۵۱) راجع به روافض و نواصب می گوید: ... چه کسی از گروهی فرمانبرداری می کند که با اهل بیت دشمنی می ورزند؟ چه کسی از آنها فرمانبرداری می نماید که در حق علی بن ابی طالب ناسزا می گوید؟ همه ی مردم از بینش و رفتار آنها تنفر می نمایند...

و باز می گوید: کسان دیگری هستند که بر عکس گروه قبلی با اهل بیت و در رأس

(۱) مجموع الفتاوی: ۵/ ۲۰۴.

آنها علی بن ابی طالب علیه السلام دشمنی و عداوت می‌ورزند، و پناه بر خدا در حق آنها ناسزا می‌گویند و از آنها نفرت می‌جویند، اینها نیز به حق اهل بیت تجاوز کرده‌اند؛ وای به حال هر دو گروه: چه اینها و چه آنها...

و تحت آن گفته: علی بن ابی طالب با توجه به ذکاوت و دانش گسترده‌ای که داشتند شهرت کسب کرده بود.

و در شرح اربعین نووی تحت حدیث شماره (۱۱) می‌گوید: از ابی محمد بن حسن بن علی علیه السلام نوه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرزند بزرگ ایشان می‌باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را تمجید نمود و فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، وَسَيُصْلِحُ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ فَتْنَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

(این فرزند من سید است و خدا به وسیله‌ی او میان دو دسته از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می‌نماید).

پس خداوند به وسیله‌ی او میان دو گروه متنازع و دارای اختلاف صلح و آشتی برقرار نمود، آنگاه که برای معاویه بن ابی سفیان از خلافت تنازل نمودند، و با انجام این کار به سیادت دست یافتند.

خواننده‌ی گرامی به سخنان این امام رحمته الله علیه توجه کن که می‌فرماید: ما بر محبت اهل بیت و قرابت ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خدا را گواه می‌گیریم. حال صادقانه از خود سؤال کن و بپرس: آیا بعد از این نیز، دلیل دیگری برای محبت اهل سنت و جماعت - که محمد بن عبدالوهاب و پیرانش نیز از آنها هستند - نسبت به اهل بیت علیهم السلام لازم و ضروری است؟!

کتابی راجع به فضیلت و دانش اهل بیت علیهم السلام

شیخ محمد بن علامه عبدالرحمن بن قاسم نجدی رحمته الله علیه راجع به موقف و موضع اهل

سنت و جماعت در برابر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کتاب جداگانه‌ای را به رشته‌ی تحریر درآورده است و آن را «آل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وأولیاؤه» نام داده است، ایشان در ضمن آن کتاب راجع به عقائد، فضائل، فقه و فقهای اهل بیت بحث رانده است. ایشان آن را از کتاب «منهاج السنه النبویه» نوشته‌ی ابن تیمیه رحمته الله علیه خلاصه نموده است. این نیز نشانه‌ی نهایت محبت، موالات، بزرگداشت و محبتی صادقانه نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام فاضل‌ترین اهل بیت می‌باشند

شیخ عبدالعزیز سلمان رحمته الله علیه می‌گوید: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام می‌باشد، آنها هم عبارتند از: خاندان علی، جعفر، عباس و حارث بن عبدالمطلب و طبق مضمون آیه‌ی سوره‌ی احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز جزو اهل بیت ایشان هستند؛ اما علی رضی الله عنه، فاطمه، حسن و حسین که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را زیر عبای خود قرار داد و دعایی مخصوص در حق آنها خواند از همه‌ی اهل بیت فاضل‌تر هستند... تا آنجا که گفت: قحطانی در حق آنها چنین سروده:

أكرم بفاطمة البتول وبعلمها وبمن هما لمحمد سبطان
غصنان أصلهما بروضة أحمد لله درّ الأصل والغصنان

(از فاطمه‌ی پاکدامن و همسرش و از نوه‌های محمد صلی الله علیه و آله و سلم احترام بگیر؛ نوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو شاخه هستند که اصل آنها باغچه‌ی احمد است، زیبایی اصل و شاخه از آن خدا است).

اهل سنت نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نهایت محبت، احترام و بزرگداشت را انجام می‌دهند، زیرا آنها از خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمان هستند و به خاطر یاری رسانی به دین خدا مورد امتحان و آزمایش الهی قرار گرفتند، پس احترام و نیکی در

حق آنها، احترام و بزرگداشتن در حق پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم است ...^(۱).
 آری این یکی از پیروان شیخ محمد بن عبدالوهاب است که اعلام می‌دارد محبت و احترام و بزرگداشت اهل بیت عليهم السلام و در رأس آنها علی، فاطمه، حسن و حسین عليهم السلام واجب است.

علی بن ابی طالب عليه السلام عاقل‌ترین، ماهرترین، داناترین و حافظ‌ترین اصحاب است

شیخ عبدالله بن جبرین می‌گوید: ... علی بن ابی طالب عليه السلام عاقل‌ترین و ماهرترین انسان می‌باشد، ایشان به شجاعت و دلیری شهرت داشتند، دوران کودکی را زیر نظر پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم سپری نمودند، در ابتدای نزول وحی نوجوانی نونهال بودند، او نخستین کودکی است که به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم ایمان آورد، سپس از همان اوائل (قبل از هجرت) به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم پیوست، اما به خاطر اینکه کودک و کم سن و سال بود و به دین اسلام ایمان داشت، نتوانستند از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم دفاع نمایند، و هنگامی که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم همراه ابوبکر هجرت نمود، علی را جای خود جا گذاشت و او را بر رختخواب خود خواباند، سپس بعد از هجرت با فاطمه ازدواج نمود و فرزندان هم چون: حسن، حسین، محسن و ام کلثوم را برای او به دنیا آورد و فاطمه نیز بعد از شش ماه از فوت پدرش وفات فرمودند، علی عليه السلام بعد از فوت فاطمه با زنان دیگری ازدواج نمود و خداوند از آنها نیز فرزندان دیگری را به او عطا کرد، و بعد از شهادت عثمان رضي الله عنه مردم با او بیعت نمودند و او را به عنوان خلیفه انتخاب کردند، اما اهل شام بر علیه او شورش کردند و قاتلین عثمان را از او مطالبه می‌کردند و برخی از اصحاب نیز علیه او قیام کردند و به خاطر انتقام از قاتلین عثمان راهی عراق شدند، از این رو در دوران خلافت ایشان فتنه و آشوبهای زیادی به وقوع پیوست و نتوانستند خلافت را به اتمام برسانند.

(۱) الكواشف الجلیة عن معانی الواسطیة : ص: ۷۰۰.

علی رضی الله عنه جز در غزوه‌ی تبوک که به عنوان سرپرست خانواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جا ماند، در سایر غزوه‌ها همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال نهم هجری بعد از ابوبکر او را فرستاد تا که امان و تعلیمات را به حجاج ابلاغ نماید.

و از نظر علم و فقه از همه‌ی اصحاب داناتر و دارای حافظه‌ای قوی‌تر بودند، از این رو اگر علم و دانش ایشان خلاصه می‌گشت، خیر و برکت زیادی را در بر داشت، زیرا ایشان از منقولات و دلایل استفاده می‌کرد، پس اگر نصی را نمی‌یافت خود اجتهاد می‌کرد و نظر می‌داد، همچنانکه در قضیه‌ی «زبیه» و ... بنا به اجتهاد خود فتوی را صادر نمود^(۱).

و در شرح «لمعة الاعتقاد: ص ۱۷۱» چنین بیان می‌دارد: و به بهشتی بودن کسانی همچون حسن و حسن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق آنها گواهی بهشت داده، ما نیز گواهی می‌دهیم.

و باز بیان داشته: ... خلاصه اینکه اهل سنت در صدد کسب رضایت اهل بیت نهایت تلاش خود را انجام می‌دهند و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق آنها را به جا می‌آورند که فرمود: «أذکرکم الله فی أهل بیتی»^(۲). (راجع به اهل بیت خدا را به یاد شما می‌آورم). و آنها در این خصوص از نقص عقیده و ایمانشان نیز واهمه دارند، نظر به اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضمن روایت زیر راجع به اهل بیت، امتش را تهدید نمودند، آنگاه که عباس دوری قریش از بنی‌هاشم را برایش بازگو نمود، فرمودند: «والذی نفسی- بیده لا یؤمنون حتی یحبوکم الله ولقرا بیتی»^(۳).

(سوگند به کسی که جان من در دست او است تا وقتی که شما را به خاطر خدا و

(۱) فتاوی ابن جریرین: ص: ۳۵-۳۶ [ط. المكتبة التوفیقیة].

(۲) اخرجه مسلم (۲۴۰۸).

(۳) امام احمد آن را در «المسند» خود گزارش داده و احمد شاکر نیز آن را صحیح شمرده است.

به خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد^(۱).

(۱) شرح العقیة الواسطیة: ۲/۲۲۵.

کسانی که علی علیه السلام را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند

شیخ صالح الفوزان در معرض گفتار شیخ الاسلام ابن تیمیه در شرح عقیده واسطیه می‌گوید: آنجا که شیخ الاسلام بیان داشته: و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارند و ولایت آنها را پذیرفته و آن توصیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به آنها را مراعات می‌نمایند که در غدیر خم فرمود: «أذکرکم الله فی أهل بیتی»^(۱).

(راجع به اهل بیتم خدا را به یاد شما می‌آورم).^(۲)

شیخ صالح الفوزان راجع به این سخن شیخ الاسلام گفته: شیخ السلام رحمته الله در این سخن خود منزلت اهل بیت از منظر اهل سنت و جماعت را بیان داشته و اعلام نموده که آنها اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارند.

اهل بیت: خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی کسانی که صدقه بر آنها حرام است اهل بیت نامیده می‌شوند، که عبارتند از: خاندان علی، جعفر، عقیل، عباس، حارث بن عبدالمطلب، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و دخترانش. همانگونه که خداوند راجع به آنها می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب: ۳۳). «خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد».

اهل سنت آنها را دوست داشته و نسبت به آنها نهایت احترام و بزرگداشت را رعایت می‌نمایند، زیرا احترام از آنها احترام از پیامبر صلی الله علیه و آله است و همچنین خدا و رسولش بدان (احترام از اهل بیت) دستور داده‌اند؛ خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (الشوری: ۲۳).

«در برابر آن از شما پاداش و مزدی نمی‌خواهم مگر آن که به خاطر خویشاوندی‌ام مرا دوست داشته باشید (یعنی: بلکه آنچه از شما می‌طلبم، مودت و

(۱) اخرجه مسلم (۲۴۰۸).

(۲) العقیده الواسطیه (ص: ۱۹۵) ط. مکتبه المعارف.

دوستی در قرابت و نزدیکی نسبی‌ای است که میان من و شما وجود دارد، پس فقط صله و پیوندی را که میان من و شما وجود دارد، در نظر آورید و همان را رعایت کنید و اگر فقط این را در نظر داشته باشید، بر من عجلولانه نمی‌تازید و میان من و مردم را خالی کرده و اجازه می‌دهید که این دعوت را به آنان برسانم».

و راجع به محبت اهل بیت روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده - از جمله آنچه شیخ بدان اشاره نمود - که بیان می‌دارد در صورت التزام، استقامت و پایدار ماندنشان بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، لازم است مورد محبت و مودت قرار بگیرند [همانند: عباس و فرزندانش و علی و فرزندانش]. اما در صورتی که با سنت و اخلاق دینی مخالفت ورزیدند و از آن روی گرداندند محبت آنها به هیچ وجه جایز نیست، اگر از اهل بیت نیز باشند.

«ولایت آنها را پذیرفته»: یعنی آنها را دوست دارند. و «توصیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به آنها را مراعات می‌نمایند»: یعنی بدان عمل نموده و آن را تطبیق می‌نمایند. «در غدیر خم فرمود»: «غدیر» در اینجا به معنی استخر و رودخانه است. راجع به «خم» نیز گفته‌اند: نام مردی است که غدیر را بدان نسبت می‌دهند، و یا گفته‌اند: خم به معنی درختان در هم آمیخته است و از این رو غدیر بدان نسبت داده شده که در آن واقع شده است.

وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله از حجة الوداع به طرف مدینه بازگشت و به این رودخانه رسید، خطبه‌ای را ارائه داد که ضمن آن به روایت زیر اشاره نمود: «أذکرکم الله فی أهل بیته».

یعنی: راجع به اهل بیتم دستوراتی را به یاد شما می‌آورم که خدا بدان دستور داده است، اینکه آنها را مورد احترام، اکرام و بزرگداشت قرار دهید و حقشان را پایمال

نمایید.

و وقتی که عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف به او خبر داد که برخی از قریش صله‌ی رحم را در حق آنها ترک کرده و با آنها نیکی نمی‌کنند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «والذي نفسي بيده». (سوگند به کسی که جان من در دست او است) «لا يؤمنون» (ایمانشان کامل نخواهد شد). «حتی یحبوكم لله ولقرابتی» (تا وقتی که شما را به خاطر دست‌یابی به دو چیز دوست نداشته باشند):

نخست: به خاطر خدا؛ زیرا اهل بیت، اولیا و دوستان خدا هستند.

دوم: به خاطر خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، زیرا دوست داشتن آنها راهی است برای کسب رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احترام از ایشان).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ الله اصطفى بني إسماعيل واصطفى من بني إسماعيل كنانة واصطفى من كنانة قريشاً، واصطفى من قريش بني هاشم، واصطفاني من بني هاشم».

خداوند فرزندان اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام را انتخاب کرد و از میان فرزندان اسماعیل قبیله‌ی کنانه بن خزیمه را انتخاب نمود و از قبیله‌ی کنانه طایفه‌ی قریش (فرزندان مضر بن کنانه) را انتخاب نمود و از قریش نیز بنی‌های هاشم (فرزندان هاشم بن عبدمناف) را انتخاب کرد و از میان بنی‌های هاشم نیز مرا (محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان) برگزید.

این حدیث بیانگر آن است که: عرب بر سایر مردم برتری دارند و از میان عرب قریش بر همه برتری دارد، و از میان قریش نیز بنی‌های هاشم بر سایر طایفه‌ها برتری دارد، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از همه‌ی بنی‌های هاشم افضل‌تر است؛ پس شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از همه‌ی مردم بزرگتر و نسب ایشان نیز بر سایر ملتها برتری دارد از این رو بنی‌های هاشم که از خویشان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند داری فضیلتی ویژه می‌باشند.

و در مقدمه‌ی کتاب «شیخ الاسلام ابن تیمیه لم یکن ناصبیا» می‌گوید: کسانی که علی علیه السلام را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند، آنها (اهل سنت و جماعت) ایشان (علی علیه السلام) را همانند خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین و یکی از سابقین اولین و یکی از ده نفری که در این دنیا مژده‌ی بهشت را دریافت نمودند، حساب می‌نمایند^(۱).

و در شرح آیه‌ی زیر که خداوند فرموده: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (الشوری: ۲۳). (ترجمه آن گذشت).

می‌گوید: قول سوم: مراد از کلمه‌ی «قربی» اهل بیت علیهم السلام می‌باشند، که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از امت اسلامی خواسته آنها را مورد محبت و احترام و اکرام قرار دهند، و این، یک حق است که باید در برابر آنها انجام داده شود، زیرا امت اسلامی در برابر افراد صالح و پایدار بر دین خدا از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حقی دارند که باید آن را مراعات نمایند و به مقتضای شریعت اسلامی آنها را مورد محبت، مودت، احترام و بزرگداشت قرار دهند^(۲).

و در تعلیقات مختصر خود بر طحاویه می‌گوید: این موقف مسلمانان در برابر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، از خدا برای آنها طلب مغفرت نموده و خواهان این هستند که خداوند نسبت به اصحاب و اهل بیت کینه‌ای در دلشان قرار ندهد، زیرا اهل بیت حق خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حق ایمان را بر مسلمانان دارند و مذهب اهل سنت و جماعت این است که: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست داشته و ولایت آنها را مراعات می‌نمایند.

اما نواصب: ولایت اصحاب را رعایت می‌نمایند و نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۱) ص: ۵. ط. دار الوطن.

(۲) الفتاوی: ۱/۳۳۵.

بغض و کینه را به دل دارند، از این رو نواصب نامیده شده‌اند که دشمنی و عداوت با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر پیشانی خود نصب نموده‌اند^(۱).

و باز گفته: همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نخستین افراد اهل بیت علیهم السلام هستند؛ خداوند متعال در خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب: ۳۳).

خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد).

بنابر این نخستین افرادی که تحت اهل بیت قرار می‌گیرند عبارتند از: همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپس خویشاوندانش از خاندان عباس، ابوطالب و خاندان حارث بن عبدالمطلب^(۲).

و باز گفته: برتری میان مهاجرین نیز وجود دارد: برترین همه‌ی اصحاب به طور اطلاق خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) می‌باشند، اینها به طور مطلق بر سایر اصحاب برتری دارند^(۳).

و باز گفته: ... علی بن ابی‌طالب: خلیفه‌ی چهارم، پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همسر فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پدر حسن و حسین دو نوه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دو سید جوانان اهل بهشت است، جهاد، شجاعت، عبادت، علم، زهد و ... ایشان مشهور و معروف می‌باشد^(۴).

و گفته: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای حسن و حسین گواهی دادند که اهل بهشت می‌باشند:

(۱) ص: ۲۲۷ ط. دار العاصمة.

(۲) ص: ۲۳۵

(۳) شرح لمعة الاعتقاد لابن قدامة رحمته الله ص: ۲۳۱ ط. اول باشراف عبدالسلام سلیمان.

(۴) ص: ۲۳۴.

«الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة»^(۱).

(حسن و حسین سید جوانان اهل بهشت هستند)^(۲).

و راجع به صلح حسن بن علی با معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضمن نقل معجزه‌ای به این قضیه اشاره نمود، آنجا که فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، وَسَيُصَلِّحُ اللَّهُ بَيْنَ فِئَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^(۳).

(این فرزند من سید است و خدا به وسیله‌ی او میان دو دسته از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می نماید).

حسن بن علی رضی الله عنه با تنازلی که در برابر معاویه بن ابی سفیان انجام داد مصالح هنگفتی را برای مسلمانان بازگرداند...^(۴).

و گفته: زید بن علی رضی الله عنه یکی از ائمه‌ی اهل بیت است؛ و جعفر صادق رضی الله عنه نیز از علمای اهل سنت و علمای سلف می باشد.

شیخ - حفظه الله - ضمن این عبارات فراوان به طور واضح و روشن عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را در برابر اهل بیت علیهم السلام بیان می دارد و صریح و روشن می گوید: کسانی که علی رضی الله عنه را دوست دارند اهل سنت و جماعت می باشند.

آیا بعد از تمام آنچه که بیان داشتیم باز راهی برای دشمنان این دعوت مبارک باقی مانده تا با زشت ترین تهمتها (تنفر از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را متهم نمایند.

﴿ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾ (۸۱) (الإسراء: ۸۱).

«و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است».

(۱) امام احمد در مسند خویش (۱۰۹۹۹) این روایت را گزارش داده است.

(۲) ص: ۲۳۹.

(۳) بخاری (۲۷۰۴) این را گزارش کرده است.

(۴) ص: ۲۶۱.

خاتمه

در اینجا قلم از نوشتن باز ایستاد و امیدوارم که همراه با آن هر گونه دروغ و اتهام در برابر این شیخی که تمام حیاتش را برای دفاع از دین اسلام، حفظ مقام توحید، اخلاص عبادت برای خداوند متعال، دور انداختن شرک و دشمنی با اصحاب پیامبر و تحقیق توحید و محبت موحدان به کار بست، متوقف شود.

در اینجا روی سختم را متوجه هر مسلمانی می‌کنم که با عقل و فکرش از تبعیت مذموم دوری می‌جوید و از تقلید کورکورانه خود را می‌رهاند، و خطاب به او می‌گویم: تنها چیزی که از شما خواسته می‌شود این است که به نوشته و کتابهای این نویسنده مراجعه نمایید که بسیاری از مردم در حق او بی‌ادبی را نشان داده، و بسیاری نیز به مقام و منزلت وی پی برده‌اند.

عبارات و سخنان آنها بیانگر این است که آنها نسبت به اهل بیت کرام نهایت محبت، مودت و احترام داشته و با شناختی کامل نسبت به اهل بیت از حقوق آنها دفاع نموده و از فضائل و مناقب آنها بحث می‌نمایند و دشمنان نواصب و... آنها را مورد نکوهش قرار می‌دهند.

خواننده‌ی گرامی! اینک چند نوشته را به شما معرفی می‌کنم: کتاب «التوحید»، «کشف شبهات»، «اصول سه گانه»، «قواعد چهار گانه»، «نواقض اسلام»، «آداب رفتن به نماز» و... سایر نوشته و کتاب و فتاواهای ایشان و سایر دعوتگران این منهج مبارک بعد از ایشان می‌باشد.

آنچه را که می‌خوانی در کنار قرآن و سنت صحیح پیامبر ﷺ قرار بده، و با نگرشی منتقدانه بدان نگاه کن که آیا چیزی مخالف کتاب و سنت را در آن می‌یابی؟ عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب و فرزندان و پیروانش نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ خارج از وصیت پیامبر ﷺ و رفتار سلف صالح با آنها نیست و نهایت محبت، مودت و رعایت حقوق را در برابر آنها به جای می‌آورند.

آری آنها مطابق منهج شریعت اسلام رفتار می‌نمایند؛ همانند نواصب و همراهانشان تقصیر و کوتاهی نمی‌ورزند، و همانند افراط‌گرایان و پیرانشان افراط نمی‌کنند، زیرا حق اهل بیت این نیست که معصوم و مقدس خوانده شوند و در برابر آنها افراط شود. و رعایت حقوق اهل بیت مشروط به این شرط است که بر منهج و سنت نبوی پایدار مانده و از راه و روش او بیرون نرفته باشد.

در پایان به تمامی نوادگان اهل بیت می‌گوییم: به خدا سوگند شما را به خاطر کسب رضایت الهی دوست داریم، خوشبختیم که شما را دنباله‌رو سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌بینیم، بدون شک شما از سایر مردم بیشتر شایسته‌ی دفاع از عقیده و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دارید و بر شما لازم است که در راه نشر آن و برداشتن هر گونه بدعتی که بدان راه یافته تلاش نمایید.

در پایان لازم می‌دانم که ظهور جمعی دانشجو از میان نوادگان اهل بیت را به همه مژده دهم که با بینشی سلفی در راه تبلیغ دعوت اسلامی قدم برداشته‌اند و مراجعه به کتاب ارزشمند «العقیده فی أهل البیت بین الافراط والتفریط» نوشته‌ی: دکتر سلیمان سحیمی را به همه سفارش می‌کنم.

وصلی الله وسلّم علی محمد و آله وصحبه

والحمد لله رب العالمین

ای اهل بیت رسول خدا،

محبت شما طبق دستور خداوند در قرآن فرض و واجب گشته است.

برای عظمت و بزرگی شما همین کافی است که هر کس بر شما درود

نفرستد نمازش پذیرفته نخواهد شد.